



ناامیدی از آینده تحصیلی؛

دختران جوانی که به کارهای شاقه روی آورده‌اند



صدها روز از طلوع بامدادی می‌گذرد که شکلیلا به جای طی کردن پیاده‌روهای مکتب، به سمت کارگاه خیاطی می‌رود. دوره طولانی مسدود ماندن مکتب‌های دخترانه و روزهایی که پس از آن در راه است، به شدت خسته‌کننده است. شکلیلا باید به جای برداشتن بیگ کتاب‌هایش، خریطه‌ای از تکه‌های برش‌شده را با خود به سمت گورستان آرزوهایش ببرد. اعلامیه وزارت معارف زیر اداره طالبان در ماه حوت سال گذشته خورشیدی مبنی بر بسته ماندن مکتب‌های دخترانه...

آیا افغانستان تحت رهبری طالبان بهترین نتیجه استراتژیک برای اسلام‌آباد بود؟



پایان نشست سمرقند؛

طالبان در ایجاد حکومت همه‌شمول ناکام‌اند

وزیران خارجه کشورهای همسایه افغانستان به شمول روسیه روز پنج‌شنبه، ۲۴ حمل، در یک نشست دوروزه در شهر سمرقند اوزبکستان اشتراک کردند. وزیران خارجه چین، روسیه، ایران، تاجیکستان، ترکمنستان، تاجیکستان، ترکمنستان و معاون وزیر خارجه پاکستان در این نشست در مورد وضعیت منطقه و مبارزه مشترک با تروریسم بر محور افغانستان گفت‌وگو کردند.

طالبان رییس پیشین شورای ولایتی پنجشیر را برای دومین بار بازداشت کردند

۸ صبح، کابل: منابع می‌گویند که طالبان مولوی عبدالکریم عباسی، رییس شورای ولایتی پنجشیر در حکومت پیشین را برای دومین بار بازداشت کرده و به جایی نامعلوم انتقال داده‌اند. منابع ناوقت روز شنبه، ۲۶ حمل، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که طالبان عباسی را حدود یک هفته پیش از منطقه کمپنی شهر کابل بازداشت کرده‌اند. مولوی عبدالکریم عباسی باشنده اصلی ولسوالی پریان ولایت پنجشیر است، اما پس از سقوط حکومت پیشین در شهر کابل زنده‌گی می‌کرد. طالبان او را یک سال پیش نیز برای مدتی بازداشت کرده بودند. تا کنون انگیزه بازداشت او معلوم نیست. طالبان هم در این مورد چیزی نگفته‌اند. گفتنی است که طالبان در یک هفته اخیر، ده‌ها تن از باشنده‌گان ولایت‌های شمال کابل را به اتهام همکاری با جبهه مقاومت ملی و جبهه آزادی بازداشت کرده‌اند.



جبهه آزادی:

طالبان اجساد قربانیان جنگ سالنگ را به خانواده‌هایشان تسلیم نکرده‌اند



۸ صبح، کابل: جبهه آزادی افغانستان اعلام کرده است که با گذشت پنج روز از پایان درگیری در ولسوالی سالنگ ولایت پروان، تا کنون طالبان اجساد نیروهای این جبهه را به خانواده‌هایشان تسلیم نکرده‌اند. جبهه آزادی شنبه‌شب، ۲۶ حمل، با نشر خبرنامه‌ای گفته است که طالبان تاکنون تنها جسد فهیم سالنگی، یک تن از قربانیان این درگیری را به خانواده‌اش تسلیم کرده‌اند؛ اما اجازه ندادند تا مراسم جنازه و فاتحه‌خوانی برای او برگزار شود. برنیاد خبرنامه، تلاش‌های کمیته صلیب سرخ نیز

طالبان مردی را در بادغیس به اتهام زدن قرآن تیرباران کردند

۸ صبح، بادغیس: منابع محلی در بادغیس ادعا می‌کنند که جنگ‌جویان گروه طالبان یک مرد را به اتهام آتش‌زدن قرآن تیرباران کرده‌اند. منابع در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که این مرد حاجی‌گل نام داشته و طالبان او را عصر روز جمعه، ۲۵ حمل، در روستای اربابان لنگر شریف ولایت بادغیس به رگبار گلوله بسته‌اند. براساس ادعای منابع محلی، حاجی‌گل پس از آن که با خانمش دعوا می‌کند، خواهرزن او قرآن را به

وی به‌عنون رویار پیش می‌کند تا از ادامه دعوا منصرف شود؛ اما حاجی‌گل قرآن را با گوگرد به آتش می‌کشد. منابع می‌گویند که جنگ‌جویان طالب پس از آگاهی از این موضوع، حاجی‌گل را از خانه‌اش بیرون کرده و او را تیرباران می‌کنند. طالبان در بادغیس هنوز در این مورد چیزی نگفته‌اند. این نخستین بار نیست که طالبان افراد متهم را در دادگاه‌های صحرایی مجازات می‌کنند.

نبود بازار و وسایل تخنیک کارقالین بافان بدخشانی را دشوار ساخته است



رونمایی «طرح بزرگ» چین برای آسیای میانه

در جریان سه دهه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نفوذ چین در آسیای میانه افزایش یافته است و مسکو هنوز تلاش دارد...



طالبان در بلخ: شیعیان باید عید را براساس اعلام دادگاه عالی تجلیل کنند

۸ صبح، بلخ: منابع محلی از ولایت بلخ می‌گویند که طالبان از عالمان دینی اهل تشیع در این ولایت خواسته‌اند که پس از اعلام دادگاه عالی این گروه، عید سعید فطر را با شهروندان سنی یک‌جا جشن بگیرند. این منابع روز شنبه، ۲۶ حمل، به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که مسوولان محکمه استیناف طالبان در بلخ با حضورداشت مقام‌های محلی این ولایت روز گذشته شماری از عالمان دینی اهل تشیع را احضار کرده بود. به گفته منابع، طالبان از آنان خواسته‌اند که پس از اعلام دادگاه عالی این گروه و رویت هلال عید، شیعیان نیز عید سعید فطر را تجلیل کنند. این در حالی است که پیش از این در مواردی شهروندان شیعه یک روز پس از شهروندان سنی عیدشان را جشن می‌گرفتند. گفتنی است که با تسلط طالبان بر افغانستان، این گروه همواره محدودیت‌هایی را علیه اقلیت‌های مذهبی و قومی وضع کرده است.





دلالت‌های یک حادثه؛ اکمل امیری و نگرانی‌هایی در مقیاس ملی

مردم افغانستان از جنگ خسته‌اند، اما از هرکسی جز داعش که در مقابل طالب بجننگد، استقبال می‌کنند؛ به‌ویژه نیروهایی که تعهدشان به این آب و خاک آشکار باشد، مانند شماری از فرماندهان دلیر اردوی پیشین. در روزهای اخیر که خبرهایی از درگیری طالبان با یکی از فرماندهان پیشین اردوی افغانستان، اکمل امیری، پخش شد و گفته شد که چند تن از همراهانش، جان‌هایشان را در درگیری از دست دادند، فضایی مانند ماتم ملی در داخل و خارج کشور ایجاد شد. گسترده‌گی این واکنش در حدی بود که در جامعه‌ای آفت‌زده و بحرانی مانند افغانستان، که آفت قوم‌گرایی تار و پودش را ویران کرده است، به ناگهان مردم از اقوام و زبان‌های مختلف حس همبستگی ملی پیدا کردند و اکمل امیری را مانند یک قهرمان فراقومی به ستایش گرفتند. چهره‌های سرشناسی از اقوام پشتون، هزاره، تاجیک و دیگران عکس این فرمانده را به جای عکس پروفایل‌شان در شبکه‌های اجتماعی گذاشتند و لحظه‌به‌لحظه اخبار متعلق به او را با نگرانی عمیق دنبال و برایش آرزوی سلامتی می‌کردند. این حادثه دلالت‌های متعددی داشت و تحلیل‌گران شرایط افغانستان را با ابعادی دیگر از وضعیت کنونی آشنا کرد. اولین دلالت این حادثه گسترده‌گی نفرت از سلطه کنونی بود و نشان می‌داد که به رغم بسته‌های ۴۰ میلیون دالری و به رغم مغالنه شماری از کشورهای منطقه با طالبان و به رغم تلاش این گروه برای دلبری و دلربایی از دستگاه‌های استخباراتی متعدد و به رغم سرخوردگی شدید در داخل کشور، مردم همچنان منتظر کسانی‌اند که صادقانه به مبارزه با این گروه گام می‌نهند. مردم از کسانی دل بریده و قطع امید کرده‌اند که آنان را تنها گذاشته و در عالم فرار و گریز هر روز به جان همدیگر دشنام حواله می‌کنند، نه از کسانی که دلیرانه در داخل می‌مانند و در برابر چنین دشمن جباری مردم را تنها نمی‌گذارند. مردم آنانی را که ادعای رهبری داشتند و امروزه در ناز و نعمت زنده‌گی می‌کنند و شجاعت مواجهه جدی با طالبان را ندارند، از خود رانده‌اند و صفحات اجتماعی انباشته از نفرین و دشنام به آنان است. اما کسی که بدون هیچ ادعایی وارد میدان می‌شود و در مقابل این لشکر عظیم جهل و تاریکی و ستم، سینه سپر می‌کند، برای مردم در این شرایط قهرمان است.

این حادثه نشان داد که سلطه طالبان بسیار شکننده است؛ زیرا پتانسیل قوی استقبال از هر مقاومت واقعی در برابر این گروه در میان اقشار جامعه وجود دارد و علی‌رغم رعب و هراسی که این گروه برای ترویج زبونی و تسلیم‌پذیری در میان مردم گسترانده است، هر جرقه‌ای از در هم شکستن سیطره این گروه به هر شکل آن برای مردم نویدبخش و امیدآفرین جلوه می‌کند.

این حادثه همچنان نشان داد که علی‌رغم همه شکاف‌هایی که در میان مردم افغانستان پدید آمده است، به ویژه شکاف‌های قومی که از یک‌سو طالبان دامن زده‌اند و از دیگر سو سیاستمداران ناکام و از سویی شماری از قلم‌به‌دستان غیرمسوول و غوغاسالار، هنوز در این جامعه زمینه‌هایی برای همبستگی ملی میان همه اقوام این کشور وجود دارد و می‌تواند ساکنان این جغرافیا را متحد گرداند. اگر جبهات و جریان‌های مقاومت در برابر طالب بتوانند بر اختلافات خود فایق بیایند و گفتمان بزرگ رهایی و آزادی را با چشم‌اندازی حقوق بشری و معطوف به ترقی و تعالی کشور به راه اندازند، شمارش معکوس برای بدرود گفتن با سلطه طالبان آغاز می‌یابد. هیچ سلطه‌ای بدون اراده و رأی مردم به مشروعیت نمی‌رسد و بختی برای دوام نخواهد داشت.

منوچهری:

طالبان زعفران ایران را به‌نام افغانستان صادر می‌کنند

مجوز صادرات از سازمان استاندارد، تعرفه گمرکی در کشور مقصد و... را مانند صادرکننده رسمی نمی‌پردازد. گذشته از این، صادرکننده موظف است ارز حاصل از صادرات خود را از طریق نرم‌افزار عرضه کند، اما قاچاقچی می‌تواند ارز خود را در بازار آزاد بفروشد.

منوچهری افزوده که تحریم‌های بانکی سبب شده تا صادرکننده‌گان زعفران پول‌هایشان را از طریق صرافی‌ها بپردازند و این امر سبب افزایش هزینه برای تاجر شده، در حالی که قاچاقچیان از این هزینه بی‌نیاز هستند.

دبیر شورای ملی زعفران ایران اختلاف ارزی در صادرات رسمی و غیررسمی این کالای تجارتي را سبب دور ماندن تاجران از رسیدن به اهداف مورد نظر دانسته و تاکید کرده که آنان در رقابت ناگزیر به عقب‌نشینی می‌شوند.

ایران در حالی طالبان را به تقلب در صادرات زعفران متهم کرده است که در حکومت پیشین اتهام مشابه به تاجران ایرانی از جانب افغانستان وارد می‌شد. طالبان تا کنون در این مورد ابراز نظری نکرده‌اند. این در حالی است که زعفران افغانستان به دلیل کیفیت خوب در رقابت‌های جهانی در سال‌های گذشته، توانسته جایگاهش را ثابت کند. در آخرین مورد در سال ۱۳۹۹، زعفران افغانستان مقام نخست را در جهان به دست آورد.



۸صبح، کابل: فرشید منوچهری، دبیر شورای ملی زعفران ایران، طالبان را متهم کرده که زعفران این کشور را به‌نام افغانستان صادر می‌کنند. رسانه‌های ایرانی به نقل از دبیر شورای ملی زعفران این کشور جمعه‌شب، ۲۵ حمل، گزارش داده‌اند که بخشی از زعفران ایران از راه‌های قاچاق و غیرقانونی وارد افغانستان شده و سپس با نام و برند ملی این کشور به بازارهای دیگر صادر می‌شود.

فرشید منوچهری گفته است: «قاچاقچی زعفران این محصول را با قیمت صادرکننده رسمی از بازار می‌خرد، اما دیگر هزینه‌هایی همچون ضایعات، اخذ

ایتلاف جنبش‌های اعتراضی زنان افغانستان:

بدون حضور زنان معترض هیچ نشستی مشروعیت ندارد



سرنوشت‌شان است، حذف نکنند و عامل بی‌عدالتی نشوند.

این در حالی است که وست در رشته‌توییستی نگاشته است که روز پنج‌شنبه، ۲۴ حمل، با اعضای «مجمع فکر آینده افغانستان» که شامل شماری از اعضای حکومت پیشین افغانستان، فعالان حقوق زن، فعالان مدنی و بزرگان قبایل می‌شود، در دوحه دیدار کرده است.

وی مدعی شده است که همه شرکت‌کننده‌گان این نشست از گفت‌وگو به‌عنوان راه‌حل چالش‌های کنونی افغانستان حمایت و با مبارزات مسلحانه مخالفت کرده‌اند.

بامیان؛

جسد تیرباران شده یک مرد پیدا شد و پسری مادرش را کشت

۸صبح، بامیان: منابع محلی در ولایت بامیان می‌گویند که دو رویداد جداگانه، جسد تیرباران شده یک مرد پس از چهار روز ناپدید بودن یافت شده و در رویدادی دیگر یک پسر جوان هنگام مشاجره لفظی مادرش را با ضرب سنگ کشته است.

منابع روز شنبه، ۲۶ حمل به روزنامه ۸صبح می‌گویند که جسد تیرباران شده یک مرد میان‌سال به نام علی جمعه، باشنده روستای اسپبچ ولسوالی کوهستانات ولایت سرپل، پس از حدود چهار روز مفقود شدن، از روستای بگلک ولسوالی یکه‌ولنگ نمبر ۱ بامیان یافت شده است.

از جانبی، یک منبع دیگر می‌گوید که به تاریخ ۱۸ حمل سال روان در روستای زولبچ ولسوالی یکه‌ولنگ نمبر ۲ ولایت بامیان، میان سه عضو یک خانواده شامل پسر، دختر و مادر مشاجره لفظی رخ

طالبان در بدخشان یک غیرنظامی را کشتند



۸صبح، بدخشان: منابع محلی در ولایت بدخشان می‌گویند که طالبان در این ولایت یک غیرنظامی را کشته و یک تن دیگر را زخمی کرده‌اند.

منابع روز شنبه، ۲۶ حمل، می‌گویند که این رویداد روز جمعه، ۲۵ حمل، در روستای دوآبی تکاب کشم ولایت بدخشان زمانی رخ داده است که طالبان مانع کار ساختمان‌سازی یک روستانشین شدند.

به گفته منابع، یکی از فرماندهان طالبان به نام انصاری از همسایه‌اش در این روستا خواسته بود که سنگ تهداب خانه‌اش را نگذارد، اما همسایه‌اش به هشدار او توجه نکرده و به کارش ادامه داد.

منابع می‌افزایند که پس از آن، این فرمانده طالبان بر همسایه‌اش شلیک کرده که در اثر آن، یک تن جان باخته و یک تن دیگر زخمی شده است.

بسته‌گان و اعضای خانواده مقتول امروز پیکر بی‌جان او را به درب ولسوالی کشم آورده و از طالبان خواستند که قاتل را به دادگاه بسپارند. طالبان تاکنون به این درخواست خانواده متضرر و مردم تمکین نکرده‌اند.

منابع معلومات داده‌اند که معترضان خشمگین در یک اعتراض، شیشه‌های ساختمان ولسوالی تکاب را شکسته‌اند و تا هنوز پیکر مقتول را دفن نکرده‌اند.

این در حالی است که طالبان چند ماه پیش دو باشنده دیگر این ولسوالی را نیز به رگبار بسته بودند.

افراد مسلح ناشناس در ننگرهار

یک عضو نیروهای ویژه حکومت پیشین را کشتند



۸صبح، ننگرهار: منابع محلی در ننگرهار می‌گویند که افراد مسلح ناشناس یک عضو نیروهای ویژه حکومت پیشین را در این ولایت کشته‌اند.

یک منبع معتبر محلی به شرط افشا نشدن نامش به روزنامه ۸صبح می‌گوید که این عضو نیروهای ویژه حکومت پیشین ریاض احمدزی نام داشت و شام جمعه، ۲۵ حمل، در شهر جلال‌آباد، مرکز ولایت ننگرهار، در مقابل خانه‌اش از سوی مردان مسلح ناشناس با شلیک گلوله کشته شده است.

ریاض احمدزی باشنده اصلی ولسوالی کامه ولایت ننگرهار بود.

اعضای خانواده این نظامی پیشین از افشای هویت عاملان قتل ریاض احمدزی خودداری کرده‌اند.

در همین حال، یک منبع دیگر می‌گوید که جنگ‌جویان طالب بر این عضو نیروهای ویژه حکومت پیشین در جلال‌آباد گلوله‌باری کرده‌اند. هنوز گروهی مسوولیت قتل احمدزی را بر عهده نگرفته است.

طالبان در ایجاد حکومت همه‌شمول ناگام‌اند

امین کاوه



در بیانیه‌ای که در پایان این نشست صادر شده، آمده است که طرف‌ها در مورد وضعیت کنونی افغانستان و چشم‌انداز صلح و گفت‌وگوهای «عمیق و سازنده» تبادل نظر کرده‌اند. اشتراک‌کنندگان این نشست به تداوم خواست‌های شان مبنی بر ایجاد دولت فراگیر با اشتراک همه جریان‌های سیاسی و قومی در افغانستان، تاکید کرده‌اند.

یک گروه مذاکره بین‌المللی تحت نظارت سازمان ملل متحد و ابتکار تاجیکستان برای ایجاد یک کمربند امنیتی در اطراف افغانستان توجه کردند و مشتاقانه منتظر دریافت یادداشت‌های جامع از سوی کشورهای شمول این کمربند امنیتی هستند. اشتراک‌کنندگان نشست سمرقند گروه‌های تروریستی از جمله داعش، القاعده، تحریک طالبان پاکستان، ارتش آزادی‌بخش بلوچستان، جندالله، جیش‌العدل، جماعت انصارالله، جنبش اسلامی اوزبیکستان، جنبش اسلامی ترکستان شرقی و شماری دیگر از گروه‌های شورشی منطقه‌ای مستقر در افغانستان را تهدید جدی برای امنیت منطقه و جهان خوانده و خواستار مبارزه مشترک علیه این گروه‌ها شده‌اند.

رعایت حقوق بشر از سوی طالبان

وزیران خارجه هفت کشور اشتراک‌کننده در نشست سمرقند همچنان بر ضرورت حفظ گفت‌وگو و ارتباط جامعه جهانی با افغانستان تاکید کرده‌اند. طرف‌های این نشست به اهمیت هماهنگی تلاش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای تضمین امنیت و ثبات در منطقه اشاره کرده و به پی‌گیری تعهدات کنفرانس بین‌المللی تاشکند و رأی‌زنی‌های «فرمت مسکو» در مورد افغانستان تعهد سپرده‌اند. اشتراک‌کنندگان این نشست از وضعیت بد اقتصادی و بحران بشری در افغانستان ابراز نگرانی کرده و آماده‌گی خود را برای ادامه کمک‌های بشردوستانه به مردم افغانستان اعلام کرده‌اند.

افزون بر این، اشتراک‌کنندگان این نشست از طالبان خواسته‌اند که برای بهبود شرایط زنده‌گی مردم و رعایت حقوق بشر در افغانستان، اقدامات عملی را روی دست بگیرند. وزیران خارجه این کشورها ابراز امیدواری کرده‌اند که طالبان به حقوق اساسی بشر از جمله حقوق همه اقوام احترام خواهند گذاشت و زنان، کودکان و همه شهروندان افغانستان را از حقوق برابر برای مشارکت در زنده‌گی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برخوردار خواهند ساخت.

با این حال، حنا ربانی کهر، معاون وزیر خارجه پاکستان، در نشست سمرقند گفته است که تصمیم‌های «تاسف‌آور» طالبان با ایجاد «بن‌بست» روابط کشورهای جهان را با افغانستان با مشکل مواجه ساخته است. او در این نشست هشدار داده است که افغانستان با «بحران بشری سنگین» و خطر «فروپاشی اقتصادی» روبه‌رو است.

در این نشست امیرخان متقی، سرپرست وزارت خارجه طالبان، از تعامل نزدیک این گروه با جهان خبر داده است. او در یک نوار تصویری ادعا می‌کند که کشورهای منطقه و جهان به این فکر و نظر هستند که با این گروه تعامل خوبی داشته باشند. اما هیچ سخنرانی‌ای در نشست‌های رسمی دو روزه از امیرخان متقی، سرپرست وزارت خارجه طالبان، تاکنون منتشر نشده است. برخی از منابع ادعا می‌کنند که او در پایان این نشست مشترک وزیران خارجه، حضور یافته و سخنرانی کرده است.

کشورهای همسایه افغانستان در حالی در چهارمین نشست خود در مورد افغانستان خواستار ایجاد دولت همه‌شمول و مبارزه با هراس‌افکنی شده‌اند که داعش مسوولیت چندین حمله بیرون مرزی را از خاک افغانستان برعهده گرفته است. افزون بر این، در جریان چند ماه گذشته، یکی از فرماندهان ارشد و والی طالبان در بلخ در یک حمله انتحاری که از سوی داعش راه‌اندازی شده بود، از بین رفته است. کشورهای اشتراک‌کننده در این نشست با صدور یک بیانیه مشترک، بر ایجاد حکومت فراگیر و تامین حقوق بشری مردم افغانستان، خودداری جامعه جهانی از سیاسی‌سازی کمک‌ها و ایجاد مکانیسم مشترک برای ارایه کمک‌های بشری تاکید کرده‌اند.

اشتراک‌کنندگان در پایان این نشست پیشنهاد کرده‌اند که پنج‌مین نشست کشورهای همسایه افغانستان در عشق‌آباد، پایتخت ترکمنستان، در سال ۲۰۲۴ میلادی برگزار شود، اما در صورت نیاز زودتر از معیاد تعیین شده برگزار خواهد شد.

طالبان خواسته‌اند تا دولتی را تشکیل دهند که بازتاب‌کننده منافع همه اقشار جامعه افغانستان باشد و همه گروه‌های قومی و مذهبی این کشور در ایجاد سیستم حکومت‌داری فراگیر سهیم باشند.

سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، در این نشست گفته است: «طالبان در ایجاد حکومت فراگیر نه‌تنها از نظر قومی، بلکه از نظر سیاسی تاهنوز کاری انجام نداده‌اند.» آقای لاوروف در جریان سخنرانی‌اش افزوده است: «قطعاً این یک واقعیت است، اما این واقعیتی است که همه در افغانستان آن را درک نمی‌کنند. اولاً از نظر ترکیب غیرفراگیر حکومت این کشور آرژیم طالبان] که در آن تنها یک قوم در [آرژیم] طالبان نماینده دارد. از سوی دیگر طالبان می‌گویند که دولت آن‌ها شامل اوزبیک‌ها، تاجیک‌ها و هزاره‌ها است، اما در ایجاد حکومت فراگیر نه‌تنها از نظر قومی، بلکه از نظر سیاسی نیز کاری تا هنوز صورت نگرفته است.»

حسین امیرعبداللهیان، وزیر خارجه ایران، در این نشست گفته است که کشورش در «بالا‌ترین سطح» با طالبان تعامل دارد. او افزوده است که خواست ایجاد حکومت همه‌شمول «صیحت دلسوزانه برای کمک به حکمرانی خوب» توسط طالبان است. افزون بر این، یک نوار تصویری که از دیدار او با امیرخان متقی، سرپرست وزارت خارجه طالبان، منتشر شده، نشان می‌دهد که وزیر خارجه ایران با لحن غیررسمی با وزیر خارجه طالبان صحبت می‌کند. در این نوار تصویری عبداللهیان خطاب به متقی می‌گوید: «سلام علیکم جناب آقای ملا متقی. ما ۲۱ ماه منتظر تشکیل دولت فراگیریم، بنشینیم حرف‌های شیرینی از شما بشنویم.»

با این حال، ذاکر جلالی، از مسوولان وزارت خارجه طالبان، با نشر توییتی ادعا کرده که آقای متقی در پاسخ وزیر خارجه ایران گفته است: «اگر شما یک نمونه حکومت به اصطلاح فراگیر در منطقه یا جهان دیده‌اید، به ما نشان دهید، ما آن را بررسی خواهیم کرد.» ذاکر جلالی روز جمعه، ۲۵ حمل، با انتشار توییتی مدعی شده که پس از آن وزیر خارجه ایران موضوع حکومت فراگیر را یادآوری نکرده است. در مقابل رسول موسوی، دست‌یار وزیر خارجه ایران، گفته است: «در جهان امروز ده‌ها نمونه حکومت فراگیر را می‌توان نام برد که نسبتاً فراگیر هستند.»

مبارزه با تروریسم، مواد مخدر و ایجاد کمربند امنیتی

اعضای نشست سمرقند بر مبارزه با کاشت، قاچاق و تولید مواد مخدر نیز تاکید کردند. در بیانیه پایانی این نشست آمده است: «طرف‌ها خاطر نشان کردند که وضعیت امنیتی مرتبط با تروریسم در افغانستان همچنان وخیم است و بر تعهد خود برای تقویت همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم و امنیت میان کشورهای همسایه و ایجاد یک جبهه متحد علیه تروریسم تاکید کردند.»

مقام‌های اشتراک‌کننده در این نشست در مورد ایجاد یک «کمربند امنیتی» در اطراف افغانستان نیز تبادل نظر کرده‌اند. در اعلامیه وزیران خارجه این کشورها آمده است که طرف‌ها به ابتکار اوزبیکستان برای ایجاد

کند و همسایه‌ها با چنین رفتارهای دلخوش‌کن به طالبان، خواب خوش‌شان را به کابوس مبدل خواهند کرد.»

این شهروند کشور که از وضعیت بد اقتصادی نیز رنج می‌برد، تاکید می‌کند: «هیچ حکومتی به مردم غریب خدمت نکرده، اما حکومت گذشته حداقل بازار آزاد بود، تجارت خوب بود، هر کسی یک لقمه نان پیدا می‌توانست. حالا بیا سرک‌ها را ببین که پر از گدا شده است.»

عبدالله بهروز، دانشجوی علوم سیاسی، می‌گوید که طالبان تغییرپذیر نیستند. به گفته او، ماهیت ایدئولوژیک این گروه اجازه نخواهد داد که آنان به حاکمیت مردم باورمند شوند؛ زیرا آنان حاکمیت را از آن خدا می‌دانند. آقای بهروز در مورد خواست کشورهای همسایه مبنی بر ایجاد حکومت همه‌شمول و رعایت حقوق بشر از سوی طالبان، می‌گوید: «تقریباً در دو سال گذشته دیدیم که چه قدر مردم کشته شدند و به چه تعداد افراد زندانی و شکنجه شدند. وضعیت فقر و گرسنه‌گی به کجا کشید. محکمه‌های صحرایی برپا است. بین خود جور نمی‌آیند، چه برسد که به دیگران اجازه حکومت کردن بدهند. وضعیت به مراتب خطرناک‌تر و وخیم‌تر از نگرانی همسایه‌ها است.»

همچنان لیلیا (نام مستعار) از دختران معترض، معتقد است که طالبان به رعایت حقوق بشر و اعاده حقوق زنان متعهد نیستند. او به روزنامه ۸صبح می‌گوید: «هم‌اکنون ده‌ها زن در کنج زندان‌های طالبان شکنجه می‌شوند، وضعیت غیرانسانی بالای‌شان تحمیل می‌شود و هیچ کسی صدای‌شان را نمی‌شنود. همسایه‌ها و جهان دیگر فریب به نام دفاع از حقوق زن را بس کنند.» خانم لیلیا با انتقاد از رویکرد سیاسی کشورهای همسایه با طالبان می‌افزاید: «آنها اگر طالب را حمایت نمی‌کردند، امروز وضعیت زنان افغانستان این گونه نبود. همه کسانی که دست طالبان را گرفتند، قاتل آرزوهای زنان هستند و تجارت دفاع از حقوق زنان افغانستان برای‌شان هزینه خواهد داشت؛ چون تاهنوز روی اصلی طالب را ندیده‌اند.»

یکی از زنان معترض که نمی‌خواهد هویتش فاش شود، می‌گوید: «ده‌ها گروه تروریستی همان‌طوری که اشتراک‌کنندگان این نشست خودشان گفتند، در افغانستان فعال‌اند. برای خود کمربند امنیتی می‌سازند، باز از طالب می‌خواهند که با تروریسم مبارزه کند. طالب در آغوش تروریسم رشد کرده، به قدرت رسیده، چگونه ممکن است با ماهیت خود بجنگد؟ مضحک است. تا زمانی که طالب در افغانستان باشد، نه زن صاحب حق می‌شود و نه منطقه صاحب امنیت.»

ایجاد دولت همه‌شمول و حاشیه‌های پرماجرایی آن

وزیران خارجه کشورهای همسایه به شمول روسیه در چهارمین نشست مشترک، خواستار ایجاد «دولت همه‌شمول» در افغانستان شده‌اند. این کشورها از

در جریان نزدیک به دو سال گذشته کشورهای همسایه افغانستان بارها نگرانی‌های خود را درباره نفوذ گروه‌های شورشی منطقه‌ای ابراز کرده‌اند. این کشورها در جریان ۲۰ ماه گذشته، چندین نشست را حول محور وضعیت امنیتی و مبارزه با تروریسم برگزار کرده‌اند. چهارمین نشست این کشورها به شمول روسیه، هفته گذشته در شهر سمرقند اوزبیکستان آغاز شد. اشتراک‌کنندگان این نشست روی تشکیل «دولت فراگیر و احترام به حق آموزش و کار به زنان از سوی طالبان، تاکید کرده‌اند.

وزیران خارجه کشورهای همسایه افغانستان با صدور بیانیه‌ای مشترک، وضعیت امنیتی مرتبط با تروریسم را در افغانستان «وخیم» خوانده‌اند. با این حال، شماری از شهروندان کشور به این باورند که اصرار بر ایجاد حکومت همه‌شمول توسط طالبان، نشانگر درماندگی همسایه‌گان و نگرانی‌های عمده‌شان از نفوذ گروه‌های تروریستی در منطقه است. به باور آنان، ایجاد حکومت همه‌شمول و مبارزه با هراس‌افکنی از سوی طالبان ممکن نیست و کشورهای منطقه و جهان باید به دنبال راه‌های بدیل باشند.

وزیران خارجه کشورهای همسایه افغانستان به شمول روسیه روز پنج‌شنبه، ۲۴ حمل، در یک نشست دوروزه در شهر سمرقند اوزبیکستان اشتراک کردند. وزیران خارجه چین، روسیه، ایران، تاجیکستان، ترکمنستان، تاجیکستان، ترکمنستان و معاون وزیر خارجه پاکستان در این نشست در مورد وضعیت منطقه و مبارزه مشترک با تروریسم بر محور افغانستان گفت‌وگو کردند. در بیانیه‌ای که در پایان این نشست صادر شده، آمده است که طرف‌ها در مورد وضعیت کنونی افغانستان و چشم‌انداز صلح و گفت‌وگوهای «عمیق و سازنده» تبادل نظر کرده‌اند. اشتراک‌کنندگان این نشست به تداوم خواست‌های شان مبنی بر ایجاد دولت فراگیر با اشتراک همه جریان‌های سیاسی و قومی در افغانستان، تاکید کرده‌اند.

با این حال، شماری از شهروندان کشور، تداوم این نشست‌ها بر محور طالبان را بی‌نتیجه می‌خوانند و می‌گویند که ایجاد دولت همه‌شمول از سوی طالبان، ممکن نیست. به گفته آنان، در حال حاضر ده‌ها گروه تروریستی منطقه‌ای در افغانستان به تجهیزات باقی‌مانده از ارتش دولت پیشین دسترسی پیدا کرده و هیچ طالبان در مدت ۲۰ ماه گذشته نشان داده‌اند که هیچ تهدیدی به ایجاد حکومت همه‌شمول ندارند و به هیچ عنوانی از موضع خود کوتاه نخواهند آمد.

شرافت‌الله عزیزی، یکی از شهروندان کشور که به دلیل مشکلات امنیتی از ذکر محل زنده‌گی‌اش خودداری می‌کند، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید: «همسایه‌های ما تلاش‌های بیپوده می‌کنند؛ چون طالب با ایجاد حکومت همه‌شمول دیگر طالب نخواهد بود و دیگر امیرالمومنین نخواهد داشت؛ چیزی که هیچ وقت طالب قبول نمی‌کند. جهان باید یک راه بدیل جست‌وجو کند. وضعیت امروز کشور حتماً بر کشورهای همسایه تاثیر می‌کند. وضعیت نخواهد همین قسم دوام

حاشیه‌های نرم و در هم تنیده

هویت‌ها

یونس نگاه



یک مرد در حال فروش میوه در بازار کابل، افغانستان

کسانی که در مسایل اقوام، نژادها و چگونه‌گی شکل‌گیری جوامع تحقیق می‌کنند، به این باورند که خون تنها عامل تشکیل کتله‌های هویتی نیست، بلکه فرهنگ (زبان، پوشاک، موسیقی، ادبیات، عنعنات، خوراک و…) منافع مشترک اقتصادی-سیاسی و جغرافیا، گروه‌های انسانی را صاحب هویت مشترک می‌سازد. این هویت‌ها به درجات (قبیله، قوم و ملیت) شکل می‌گیرند و با توجه به سطح انکشاف و ترقی جامعه هرکدام در مرحله‌ای از رشد اجتماعی برجسته‌تر می‌گردد.

در ارتقای جوامع از خانوار و خیل به قباایل و از قباایل به اقوام و آنگاه به ملت و از آن‌جا به شکل‌گیری حوزه‌های بزرگ فرهنگی، منطفه‌ای و عاقبت جهانی، موانعی وجود دارد. از موانع زیربنایی و اقتصادی که بگذریم، تعصب نظام‌مند و انحصار، مانعی مهم در برابر ادغام و گذر جوامع به مراحل پیش‌رفته‌تر است. از صحبت در مورد هویت‌های کلان فرهنگی فرامرزی و منطفه‌ای می‌گذریم. به دلیل عقب‌مانده‌گی کشور ما، فعلاً شکل‌گیری هویت مشترک ملی آرمان بسیار مترقی است و به چشم برخی از هم‌وطنان دور از دسترس و آرمانی می‌نماید. از این‌که در چنین مقام اجتماعی گیر مانده‌ایم، حق داریم تاسف بخوریم. در عصری که مردم در بخش‌هایی از جهان، از بند مرزها گذشته‌اند و دغدغه‌های کلان بشری دارند، به خطرها و فرصت‌های مشترک انسانی فکر می‌کنند، نگران آینده هوش مصنوعی و رابطه انسان با آن، چگونه‌گی توزیع ثروت در سراسر جهان، بحران آب‌وهوا و رابطه زمینی‌ها با موجودات احتمالی فرازمینی‌اند، ما هنوز گرفتار بازتعریف هویت‌های کوچک فرهنگی و مرزکشی‌های محلی‌ایم. اما انکار این عقب‌مانده‌گی و توسل به تجاهل روشن‌فکرانه نیز کارساز نیست. باید به وضعیت موجود اعتراف کنیم و برای عبور از آن گپ بزنیم

هزاره‌نشین زنده‌گی کرده، با لهجه هزاره صحبت می‌کنند، لباس و خوراک و مذهب و موسیقی و فولکلور هزاره‌ای دارند، هزاره هستند یا نیستند. بحث دوم در مورد گروهی از هم‌وطنانی بود که در مناطق تاجیک‌نشین زنده‌گی می‌کنند، ولی در هویت تاجیکی و هزاره‌ای‌شان اختلاف نظر است.

مردم هزاره در سه کتله مذهبی شیعه جعفری، شیعه اسماعیلی و سنی زنده‌گی می‌کنند. گروهی از این مردم در مناطقی به سر می‌برند که اکثریت باشندگان آن‌ها تاجیک‌اند. عده‌ای از آنان تذکره تاجیک دارند، اما به نظر می‌رسد هنوز بر سر این‌که تاجیک‌اند یا هزاره، دچار تردیدند. برخی می‌پرسند در حالی که قزلباش‌ها، بیات‌ها، کردها، اوزبیک‌ها، ترک‌ها و پشتون‌های بسیاری به‌آسانی در درون جامعه تاجیک ادغام شده‌اند، چرا هزاره‌های سنی مناطق تاجیک‌نشین، حتا اگر تذکره تاجیک هم گرفته‌اند، هنوز ادغام نگردیده‌اند؟

بخشی از مردم هزاره در گذشته‌ها به دلایل اشتراک فرهنگی و نیز فرار از رنج تعصبات و محدودیت‌های سیاسی و فرهنگی که در برابرشان وجود داشته، کوشیده‌اند تا به تاجیک‌ها نزدیک شوند و به آن چتر پناه بگیرند. عده‌ای موفق شده‌اند، ولی در چند دهه اخیر دیده شده است که بخشی از این مردم به دلیل مقاومتی که در برابر ادغام‌شان در جامعه تاجیک وجود داشته، بر هویت هزاره‌ای خود جدی‌تر از گذشته تاکید کرده‌اند. اصولاً، در صورتی که مقاومتی از سوی جامعه میزبان وجود نمی‌داشت، فرصت خویشاوندی کافی فراهم می‌شد و در کسب منافع اقتصادی و سیاسی محلی فرصت برابر می‌بود، آنان احتمالاً تاجیک می‌شدند؛ چرا که حداقل در دورانی که هزاره‌ها رسماً مغضوب حاکمان بودند و دستگاه‌های اداری، نظامی و تعلیمی با آنان چون بیگانه‌گان رفتار می‌کرد، هزاره‌های سنی که در همجواری با تاجیکان زنده‌گی می‌کردند، می‌خواستند تاجیک باشند. اما موانعی که بر سر راه ادغام‌شان وجود داشته، باعث بقای هویت هزاره‌ای آنان شده است.

سرگذشت آنان به‌روشنی تاثیرات مخرب تعصب و تفرقه‌های محلی را آشکار می‌کند و نشان می‌دهد که با نگاه برتری‌جویانه نمی‌توان زمینه اختلاط فرهنگی و شکل‌گیری هویت‌های جمعی کلان‌تر را فراهم ساخت. مسیر هم‌سویی، ادغام و گذر از هویت‌های محلی به سود مشترکات فرهنگی و ملی کلان‌تر، با ذهنیت‌های قومی و تعصب‌آمیز پیموده نمی‌شود.

اگر معیارهای فرهنگی را اصل بگیریم، هزاره و تاجیک می‌توانند دو عنصر یک هویت کلان‌تر باشند و به‌تدریج فاصله‌های‌شان چنان کم‌رنگ شود که دیگر تفکیک آن دو آسان نباشد. درگیری بر سر این‌که چه کسی تاجیک و چه کسی هزاره است، حکایت از عقب‌گرد دردناک جامعه دارد. هویت‌های انسانی دارای حاشیه‌های در هم‌تنیده و انعطاف‌پذیر است، از این رو نباید وقتی پشتون

رونمایی «طرح بزرگ» چین برای آسیای میانه

منبع:

اوراسیا دیپلی مانتیتور

نویسنده:

جان سی.کی. دالی

در جریان سه دهه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نفوذ چین در آسیای میانه افزایش یافته است و مسکو هنوز تلاش دارد که با وجود افزایش «قدرت نرم» اقتصادی بیجینگ، نفوذ خود را در آن منطقه حفظ کند. شی جین پینگ، رییس جمهور چین، در پیام نوروزی که امسال به امام‌علی رحمان، رییس جمهور تاجیکستان فرستاد، اعلام کرد که کشورش در حال آماده‌سازی «طرح بزرگ» برای ارتقای روابط با آسیای میانه است. او گفت: «این طرح جدید در اولین نشست چین و آسیای میانه در شهر شیان در ماه می سال جاری ارایه خواهد شد.» آقای شی پیام مشابهی به شوکت میرضیایف، رییس جمهور اوزبیکستان، فرستاد. (وزگلیاد، ۲۸ مارچ)

نفوذ روسیه در کشورهای آسیای میانه در نتیجه درگیری اوکراین در حال کاهش است. این منطقه به منبع حیاتی انرژی و همچنین مسیر مهم ترانزیت برای طرح کمربند و جاده بیجینگ بدل شده است؛ اما هنوز رقابت پنهانی بین بیجینگ و مسکو برای افزایش هژمونی منطقه‌ای جریان دارد.

از زمانی که ولادیمیر پوتین، رییس جمهور روسیه، یک سال پیش «عملیات نظامی ویژه» خود را علیه اوکراین آغاز کرد، چین از مشغولیت فزاینده روسیه در جنگ برای افزایش نفوذش در آسیای مرکزی،

۱۶ فبروری)

روسیه و آسیای میانه از نظر تاریخی روابط اقتصادی، سیاسی، زبانی، فرهنگی و نظامی بسیار قوی داشته‌اند، اما امتیاز چین در قدرت اقتصادی‌اش است. همچنان تمایل به بهره‌گیری از پیش‌رفت‌های اقتصادی چین، کشورهای آسیای میانه را به سمت منافع و نفوذ آن کشور می‌کشاند.

در مورد آینده می‌توان به آن‌چه شی جین پینگ در نوامبر ۲۰۲۲ در اجلاس همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه در بانکوک اعلام کرد، توجه نمود: «چین در نظر دارد سومین مجمع همکاری بین‌المللی کمربند و جاده را در سال آینده میزبانی کند تا انگیزه جدیدی به توسعه و شکوفایی منطقه اقیانوسیه و جهان ارایه کند.» (رای نووستی، ۱۸ نوامبر ۲۰۲۲) علاوه بر این، در ۷ مارچ، وزیر امور خارجه چین، کین گانگ، اعلام کرد که در کنار میزبانی سومین مجمع همکاری بین‌المللی کمربند و جاده، کشورش میزبان اولین نشست چین و آسیای مرکزی در اواخر سال نیز خواهد بود. (نیوزسنترل‌اشیا، ۷ مارس)

با ادامه درگیری روسیه در اوکراین، به‌آسانی نمی‌توان گفت که پوتین در کوتاه‌مدت چه اهمی برای مقابله با «طرح بزرگ» شی جین پینگ در آسیای میانه دارد، به‌خصوص اگر طرح چین با سرمایه‌گذاری مستقیم عظیم در آن منطقه همراه باشد.

عنوان انگلیسی مقاله:

China Unveils 'Grandiose Plan' for Central Asia - Jamestown

تاجیک‌شده، تاجیک هزاره‌مانند، اوزبیک ترکمن‌وار و پشه‌ای پشتون‌شده می‌بینیم، تعجب کنیم. آنانی که اهمیت همسته‌گی را درک می‌کنند و می‌دانند که ادغام قباایل، اقوام و فرهنگ‌ها در هم‌دیگر اتفاقی طبیعی است، باید مانع تشدید عقب‌گردهای تلاش برای «پاکیزه‌قومی» شوند.

در درون جامعه هزاره نیز مشکل تنش‌های هویتی جریان داشته است. به‌طور مثال سیدهایی که در جامعه هزاره صدها سال زنده‌گی کرده‌اند، کمتر در آن هویت جمعی مدغم شده‌اند. احتمالاً علت اصلی جذب‌نشدن سیدها نیز جایگاه سیاسی و اقتصادی نازل هزاره و در عین حال مقام ویژه مذهبی بوده است که سید در آن جامعه داشته است. مقام سیدی و منافع اقتصادی و معنوی حاصل از آن، مانع ادغام آنان شده است، ورنه هزاره‌ها نیز مثل اقوام دیگر ترکیبی از قباایل گوناگون با ریشه‌های نژادی متنوع‌اند و در میان‌شان می‌توان خانواده‌هایی را یافت که می‌دانند در میان گذشته‌گان‌شان هندو، ترک، عرب، تاجیک، بلوچ یا پشتون بوده‌اند. البته این روند در دهه‌های اخیر و با افزایش سطح سواد و نیز ارتقای نسبی جایگاه این قوم در سیاست و اقتصاد تا حدودی تغییر کرده است و اکنون بخشی از سیدها خود را هزاره می‌خوانند. در دهه‌های اخیر تعصبات نژادگرایانه از درون هزاره نیز بر درزها کوبیده و گاه از زبان آدم‌های مشهور سیاست و فرهنگ هزاره پیام‌های تعصب‌آمیز به سیدها شنیده می‌شود. بعد از جنگ‌های تنظیمی کابل، این تفرقه در سیاست بیشتر مطرح شد و واکنش‌های تعصب‌آمیز درس‌خوانده‌های هزاره در برابر سید پررنگ‌تر گردید. در دوره جمهوری اسلامی، زمانی که هزاره می‌توانست به امتیاز سیاسی و اقتصادی تعبیر شود، نخبه‌گان امتیازگیر این قوم، با سیدها چون دیگری رفتار کردند و در برابر ادغام بیشتر آنان به جامعه هزاره مانع ایجاد نمودند.

خلاصه این‌که نگاه نژادگرایانه اقوام و فرهنگ‌ها را هم در درون خود و هم در برابر هم‌دیگر گرفتار تنش‌های بی‌پایان می‌کند. آنانی که تریبون رسانه‌ای در اختیار دارند، باید در عبور از این تفرقه‌ها و درگیری‌های فرصت‌سوز یاری رسانند تا درون جامعه هزاره‌ها از تنش با سیدها و قزلباش‌ها و بیات‌ها فارغ شود، تاجیک‌ها و هزاره‌ها ظرفیت تحمل هم‌دیگر را تمرین کنند، در جذب و ادغام متقابل دچار مشکل نشوند و زمینه را برای شکل‌دهی هویت مشترک فرهنگی کلان‌تر فراهم سازند تا در سطح کلان‌تر در ساختن هویت مشترک ملی که زمینه کار و زنده‌گی دموکراتیک را برای همه مهیا سازد، موفق گردیم. تنش‌های به‌ظاهر مهم قومی و فرهنگی، ما را از پرداختن به نیازهای عینی زنده‌گی باز می‌دارد. اکنون بیش از هر زمان ضرورت داریم تا به جای صرف انرژی بر خط‌کشی‌های فرهنگی و هویتی، به چیزهایی بپردازیم که نان، آب، مکتب، سرک، زراعت، صنعت و مهم‌تر از آن آزادی شود.

^[1] روایت دیروز، آئینه امروز، نویب فردا

^[2] روایت دیروز، آئینه امروز، نویب فردا

دختران جوانی که به کارهای شاقه روی آورده‌اند

صدها روز از طلوع بامدادی می‌گذرد که شکلیا به جای طی کردن پیاده‌روهای مکتب، به سمت کارگاه خیاطی می‌رود. دوره طولانی مسدود ماندن مکتب‌های دخترانه و روزهایی که پس از آن در راه است، به شدت خسته‌کننده است. شکلیا باید به جای برداشتن بیک کتاب‌هایش، خریطه‌ای از تکه‌های برش‌شده را با خود به سمت گورستان آرزوهایش ببرد. اعلامیه وزارت معارف زیر اداره طالبان در ماه حوت سال گذشته خورشیدی مبنی بر بسته ماندن مکتب‌های دخترانه در سال جدید آموزشی، رویاهای شکلیا را به گونه کامل دگرگون ساخته و او را به سمت دیگری به دور از آرزوهایش کشانده است. شکلیا اکنون به جای نشستن روی چوکی دانش‌آموزی، پشت چرخ خیاطی آرزوهایش را نخ می‌سازد و با تک‌تک آن‌ها خداحافظی می‌کند.

شکلیا هژده سال سن دارد و پس از سپری کردن دو سال بدون درس و حضوری، از مکتب فارغ شده است. پس از بسته شدن مکتب‌های دخترانه از سوی طالبان در سال ۱۴۰۰ خورشیدی، شکلیا دانش‌آموز صنف دهم مکتب بود که به دلیل وضعیت بد اقتصادی خانواده‌اش به کارهای شاقه روی آورد و اکنون در یکی از کارگاه‌های خیاطی در شهر کابل مصروف کار است. این دختر جوانی که از ادامه تحصیل ناامید شده است، خیاطی را غنیمی برای اقتصاد خانواده‌اش در زیر حاکمیت طالبان می‌داند.

آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۲ خورشیدی از راه رسیده و شکلیا باز هم با هزاران ناامیدی نسبت به آینده، بار دیگری امید بسته و به سمت کتاب‌های ریاضی و فیزیک تاخته است؛ کتاب‌هایی که بیش از یک سال در تاقچه‌های میزبان خاک بودند. این بار برعکس سال‌های پیش، آغاز سال تحصیلی در مناطق سردسیر در سوم حمل نه، بلکه در اول حمل اعلام شده است. او منتظر است تا از سوی حاکمانی که نزدیک به دو سال فرصت آموزشی او را به هدر داده‌اند، خبر آغاز دوباره مکتب‌های دخترانه و دانشگاه‌ها را بشنود تا از این طریق بتواند به کار خسته‌کننده هر روزش در کارگاه خیاطی خاتمه دهد.

اما هر قدر به خبر بازگشایی مکتب‌ها و دانشگاه‌ها به روی دخترانه گوش می‌دهد، خبری از رفع این محدودیت به گوشش نمی‌رسد تا این‌که خلاف خواسته‌هایش بار دیگر جمله‌ای را می‌شنود که به کابوس بد زنده‌گی‌اش بدل شده است: «تا اطلاع ثانوی درب مکتب‌ها و دانشگاه‌ها به روی دختران همچنان بسته می‌ماند.» با شنیدن این جمله، او از آسمان به زمین می‌افتد و شوق رفتن به دانشگاه باز هم در دلش می‌ماند. تصمیم طالبان مبنی بر بسته ماندن مکتب‌های دخترانه و دانشگاه به روی آنان، شکلیا را بیش از پیش ناامید ساخته است. او این بار رویاهایش را در جای ناپایداری دفن می‌کند و کتاب‌هایش را در محلی می‌گذارد که چشمش به آن‌ها نیفتد.



بهینا

اکنون شکلیا به جای طی کردن پیاده‌روهای مکتب، به سمت کارگاه خیاطی می‌رود. پس از این نیز ظاهراً او باید به جای برداشتن بیک کتاب‌هایش، خریطه‌ای از تکه‌های برش‌شده را با خود به سمت گورستان آرزوهایش ببرد. همزمان با دگرگونی رویاهایش، او کاملاً به سمت دیگری به دور از درس و مشق کشانده می‌شود. شکلیا اکنون همانند خیلی از هم‌نسلانش به دلیل وضعیت بد اقتصادی خانواده‌اش رو به کاری آورده که چند سال پیش تصور این روز برایش غیرممکن بود.

با این هم، کمتر روزهایی است که او در راه رسیدن به خیاطی مروری بر خاطرات این روزها و آینده‌اش نکند. او در ذهن خود هر روز از دست‌رفته‌اش را این‌گونه تصور می‌کند. اکنون که او از صنف دوازدهم مکتب بدون حضوری و مشق فارغ شده است، باید در حال سپری کردن روزهای جنجالی و از سویی هم هیجان‌برانگیزی می‌بود. او باید در صنف‌های پیش‌کنکوری مصروف حل معادلات ریاضی، فیزیک و کیمیا می‌بود. در تقسیم‌و‌اوقاتش هیچ وقت اضافی برای کارهای غیر از درس خواندن وجود نمی‌داشت. به جای در دست گرفتن تکه‌های چندمتری، کاغذ و قلم می‌بود که شب تا صبح معادلات رسیدن به رویاهایش را بی‌وقفه ترسیم می‌کرد. در حال چانه‌زنی با هم‌صنغی‌هایش به خاطر گرفتن نمرات بلند امتحان آزمایشی می‌بود و در آخر هر روز به جای خسته‌گی از کار خیاطی، خسته از درس می‌آمد و مادرش او را «وکیل» صدا می‌زد و به نوشیدن یک پیاله چای دعوت می‌کرد.

اکنون اما درست در همین زمان همه خیال‌پردازی‌های شکلیا برعکس انتظارش اتفاق افتاده است. او حالا از بام تا شام طلایی‌ترین اوقات زنده‌گی خود را که هرگز

برنخواهد گشت، به جای حضور در صنف‌های درسی، در کارخانه خیاطی می‌گذرانند که حاکمان امروزی برای او تعیین کرده‌اند؛ جایی که هیچ تضمینی برای آینده‌اش نمی‌بیند. او هر صبح ساعت ۰۶:۰۰ بامداد خود را با عجله به کارخانه می‌رساند تا مبادا از کار بیکار شود. صبح‌گاهش را با غور زدن‌های صاحب کار آغاز می‌کند و شام‌گاهش را با بهانه‌گیری‌های او خاتمه می‌دهد. این دختر جوان مجبور است این ناملایمت‌ها را به خاطر دست‌مزد اندکی که صاحب کار در پایان روز برایش می‌دهد، تحمل کند.

تنها دلخوشی این روزهای شکلیا این است که پس از مدت‌ها با چند تن از هم‌صنغان مکتبش در محل کار ملاقات می‌کند. آنان نیز همانند او دنبال کارند تا خودشان را از چهاردیواری خانه که بیش از یک سال را در آن‌جا زندانی بوده و یک دوره افسرده‌گی حاد را تجربه کرده‌اند، نجات بدهند. تنها جایی که آنان در این شهر توانسته پیدا کنند، همین کارگاه خیاطی است که شکلیا در آن‌جا شاگردی می‌کند. هم‌صنغانش نیز پس از دیدن شکلیا که در این کارگاه خیاطی کار دشواری را با اندک‌ترین مزد انجام می‌دهد، شامل کار شده‌اند و برای روزهای سخت یک‌دیگر مرهم می‌شوند. شکلیا و هریک از هم‌صنغانش هفته‌ای ۲۰۰ افغانی دست‌مزد دریافت می‌کنند.

این دختران جوان که اکنون از آینده تحصیلی به‌شدت ناامید شده‌اند، همانند دوره مکتب هر روز هم‌دیگر را در محل کار ملاقات می‌کنند و کارهای‌شان را با همکاری یک‌دیگر آغاز می‌کنند و در آخر روز به پایان می‌رسانند. گاهی از سر شوخی کارگاه خیاطی را دفتر کاری رویاهای‌شان تصور می‌کنند و در حین کار یک‌دیگر را داکتر، انجنیر و یا هم وکیل صدا می‌زنند و گاه هم به یاد

روزهای مکتب تبدیل به معلم ریاضی و فیزیک می‌شوند. روزهای آنان یکی پس از دیگری در پشت چرخ خیاطی می‌گذرد و کم‌کم انگیزه درس و آرزوهای‌شان در حال سرتگون شدن است. حالا رفتن به کارگاه خیاطی برای شکلیا همانند قبل زیاد خسته‌کن نیست؛ زیرا خود را در میان ناملایمت‌های روزگار تنها احساس نمی‌کند. او اکنون درک کرده که همه هم‌نسلانش در کشوری که مالکانش به خاطر گناه انجام نداده مجازات می‌شوند، هم‌سرنوشت هستند.

مرضیه، دانش‌آموز دیگری است که تا پیش از روی کار آمدن رژیم طالبان در یکی از مکتب‌های دخترانه شهر کابل درس می‌خواند. او هفده سال سن دارد و دانش‌آموز صنف یازدهم مکتب است. اگر طالبان به او و هم‌قطارانش اجازه دهند، می‌خواهد در آینده در رشته طب معالجوی تحصیل کند و داکتر شود. مرضیه نیز به علت بسته ماندن مکتب‌های دخترانه، به کارهای شاقه روی آورده است تا از این طریق در تامین هزینه زنده‌گی خانواده سهمیم شود.

مرضیه نیز همانند شکلیا به کارهای شاقه از جمله قالین‌بافی و لباس‌دوزی روی آورده است. او به دلیل اقتصاد ضعیف خانواده و بیکار شدن پدرش، همزمان هر دو کار را انجام می‌دهد. او گاهی بسته ماندن مکتب را برای اوضاع فعلی خانواده‌اش غنیمت می‌داند؛ زیرا می‌تواند کار کند و اعضای خانواده‌اش را از گرسنگی نجات دهد. مرضیه حالا نان‌آور خانواده شش‌نفری‌اش است. او نیز از بامداد تا تاریکی شب یک دست به قالین‌بافی و دست دیگرش به دوختن لباس است.

مرضیه در ماه‌های نخست حاکمیت طالبان بر کشور با وجود این‌که اجازه رفتن به مکتب را نداشت، اما انگیزه فراگیری آموزش و تحصیل هنوز در وجودش زنده بود. او به بازگشایی مکتب‌ها و حاضر شدن سر صنف درسی امیدوار بود و گاهی نیز سری به آموزشگاه‌ها می‌زد تا اگر ممکن باشد، تا زمان بازگشایی مکتب‌ها در آن‌جا درس بخواند. اما هر بار روبه‌رو شدن با درهای بسته مکتب، سپس آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌ها مرضیه را نسبت به درس و آینده تحصیلی ناامید کرده است. او به وعده‌های تکراری و بی‌عمل طالبان برای بازگشایی مکتب‌ها بی‌باور شده و بیشتر از یک سال است که آرزوهایش را در جایی نامعلومی گم کرده و دیگر نه از کتاب خبری است و نه از درس خواندن شبانه. یگانه کار همه‌روزه مرضیه تعقیب نقش قالین و تارهای قالین است که از طریق آن مخارج خانواده را تامین می‌کند.

این تنها شکلیا و مرضیه نیستند که امید به تحصیل را از دست داده و رویاهای‌شان دفن خاک شده است، بلکه جور روزگار و ستم طالبان بر میلیون‌ها دختر دیگر این سرزمین نیز تحمیل شده است. طالبان نزدیک به دو سال است که به دختران اجازه نمی‌دهند تا مکتب بروند. مسوولان وزارت معارف و دیگر مقام‌های طالبان همواره دلایل غیرمعتولی را بهانه می‌آورند و می‌گویند که ممنوعیت آموزش دختران در افغانستان تصمیم دایمی نیست و به‌زودی درب مکاتب به روی دختران باز خواهد شد؛ اما این تعهد آنان در دو سال گذشته عملی نشده است.

نبود بازار و وسایل تخنیک کار قالین‌بافان بدخشانی را دشوار ساخته است

صبح، بدخشان

قالین‌باف آموزش‌های حرفه‌ای می‌دهیم و پس از آن فارغ می‌شوند. با گرفتن تصدیق‌نامه به کارشان در کارخانه‌های قالین‌بافی مصروف کار می‌شوند.»

این در حالی است که براساس آمارهای ارایه‌شده از سوی مسوولان در حکومت پیشین، قالین حدود ۴۵ درصد صادرات افغانستان را در سال‌های گذشته شکل می‌داد.

ارزش صادرات آن به ۲۳۱ میلیون دالر در سال می‌رسید. اکنون نیز قالین یکی از اقلام عمده صادراتی افغانستان به بیرون از کشور است. نورالدین عزیزی، سرپرست وزارت صنعت و تجارت طالبان، به‌تازه‌گی در رسانه‌ها گفته است که در یک سال گذشته بیش از یک میلیارد و ۳۶۴ میلیون دالر به ۱۰ کشور جهان صادرات صورت گرفته است. از این میان، حدود یک میلیون مترمربع قالین و گلیم نیز به بیرون از کشور صادر شده است. نورالدین عزیزی افزوده است که با تعداد زیادی از کشورها از جمله چین، روسیه، ترکیه، امارات متحده عربی، ایران و پاکستان در حال گفت‌وگو برای افزایش صادرات و جلب سرمایه‌گذاری در افغانستان است.

بدخشان از ولایت‌هایی است که جاذبه‌های گردشگری زیادی دارد. بام دنیا (پامیر) در ولسوالی واخان این ولایت موقعیت دارد که در گذشته میزبان گردشگران خارجی در فصل‌های بهار و تابستان بود. بازدید گردشگران از بام دنیا بر فروش صنایع دستی بدخشان، به‌ویژه قالین دست‌بافت زنان این ولایت، نقش اساسی داشت. اکنون اما با قدرت‌گیری دوباره طالبان صنعت گردشگری در بدخشان به صفر رسیده و این حالت بر وضعیت اقتصادی باشندگان محل تأثیر منفی برجای گذاشته است.

از پیش‌رفت کار آن نیست. با توجه به سیاست‌های طالبان در برابر زنان، زنان قالین‌باف بدخشانی نگران‌اند که این پارک به زنان صنعت‌پیشه و قالین‌باف در این ولایت اختصاص نیابد.

تجارت قالین در افغانستان پیشینه تاریخی زیادی دارد. بافنده‌گی قالین به دوره حکمروایی آریایی‌ها برمی‌گردد. افغانستان با تولید دو میلیون متر مربع قالین در سال از کشورهای تولیدکننده قالین سنتی در جهان به حساب می‌آید و در بازارهای بین‌المللی قالین افغانستان زیر نام «قالین چوب‌رنگ» شهرت دارد.

در حال حاضر ده‌ها کارخانه قالین‌بافی در بدخشان فعالیت دارند و این کارگاه‌ها زنان زیادی را مشغول کار ساخته‌اند. عبدالعلی، رییس اتحادیه قالین‌بافان بدخشان، مشکلات موجود بر سر راه قالین‌بافان بدخشانی را تایید می‌کند و می‌گوید که برای ۴۰۰ زن زمینه قالین‌بافی در بدخشان مساعد شده است. به باور عبدالعلی، در صورتی که قالین‌بافان زن مورد حمایت قرار بگیرند، این صنعت رشد قابل ملاحظه‌ای در بدخشان خواهد داشت.

رییس اتحادیه قالین‌بافان در صحبت با رسانه‌ها همچنان گفته است: «چهار هزار زن همین حالا مصروف کار هستند. ما برای شش ماه، یک و دو سال برای زنان

محل باشیم و کار کنیم. بازار یا مارکیت مشخصی نیست که قالین یا چیزهای دیگری را که می‌بافیم، در آن‌جا به فروش برسانیم. ماشین شست‌وشوی قالین نداریم، ماشین کش قالین نداریم.»

قالین‌بافان زن با رسیدن بزم، زیباترین قالین‌های جهان را در افغانستان می‌بافند. ماه‌جبین، یکی دیگر از زنان قالین‌باف در بدخشان است که در یکی از کارگاه‌های قالین‌بافی شهر فیض‌آباد، مرکز این ولایت، کار می‌کند. ماه‌جبین به روزنامه ۸صبح می‌گوید که در شرایط بسیار دشوار قالین می‌بافد، اما به دلیل مشکلات فنی و نبود وسایل و تجهیزات تخنیک در کارگاه‌های قالین‌بافی، صاحبان این کارگاه‌ها دست‌مزد اندکی به آنان می‌دهند. ماه‌جبین می‌افزاید: «به سختی و زحمت زیاد یک قالین را می‌بافم. صبح می‌آیم و تا عصرها کار می‌کنم، ۱۵۰ تا ۲۰۰ افغانی دست‌مزد می‌گیرم. در این قیمتی هیچ چیزمان نمی‌شود. پشم جمع می‌کنیم و پشم می‌ریسیم و رنگ می‌کنیم، قیچی می‌کنیم و با بسیار مشکل یک قالین بافته می‌شود.»

حدود ۱۰ جریب زمین در شهر فیض‌آباد برای ایجاد یک پارک صنعتی ویژه زنان از جمله زنان قالین‌باف در حکومت پیشین در نظر گرفته شده بود که اکنون خبری

قالین از صنایع دستی و قدیمی افغانستان است که پیشینه تاریخی طولانی دارد. قالین افغانستان در سطح جهان از نام و نشان ویژه‌ای برخوردار است. باشندگان ولایت‌های شمال و شمال‌شرق کشور به‌ویژه زنان قالین‌باف بدخشان از سال‌های زیادی مشغول این صنعت‌اند. هرچند کارگاه‌های کوچک و بزرگ قالین‌بافی در خانه‌ها و محلات هنوز هم فعالیت دارند، اما دست‌اندرکاران این صنعت از حال و روز خوبی برخوردار نیستند. براساس معلومات اتحادیه قالین‌بافان، هم‌اکنون چهار هزار زن و دختر در ولایت بدخشان سرگرم قالین‌بافی‌اند. دست‌بافت‌های زنان بدخشان روزگاری زینت خانه‌های بسیاری‌ها بود، اما در این اواخر چنین نیست. قالین‌بافان زن در بدخشان اکنون با چالش‌های زیادی از جمله نبود بازار و دستگاه‌های نخنیک برای پروسس قالین مواجه‌اند. این زنان صنعت‌کار خواهان حمایت و توجه بازرگانان این صنعت دیرینه‌اند.

زرین‌گل (نام مستعار) یکی از زنان قالین‌باف در بدخشان است که هفت سال عمرش را در این صنعت سپری کرده است. او از مشکلات ایجادشده پس از سقوط نظام جمهوری و روی کار آمدن رژیم طالبان بر سر راه این صنعت می‌گوید: «مرکز فروشات نداریم که دایم در یک

زنده‌گی و تناقضات سخنگوی لیبرال طالبان

بلال فاطمی استخبارات پاکستان را متهم می‌کند که به منظور مخالفت با امریکا، می‌خواست وی را به قتل برساند، اما به دلیل این‌که او تبعه انگلستان بود، این کار را در پاکستان انجام نداد، بلکه چنان زهری به او داد که در ادامه اثر کند.



سپین‌گل

برساند، اما به دلیل این‌که او تبعه انگلستان بود، این کار را در پاکستان انجام نداد، بلکه چنان زهری به او داد که در ادامه اثر کند.

او می‌پذیرد که هنگام سفر به پاکستان، به افغانستان نیز سفرهایی داشت و در ولایت‌های مختلف دفاتر انجوش را ایجاد می‌کرد. این کارشناس تناقض‌گو نمی‌اندیشد که کسی حرف‌های او را ارزیابی خواهد کرد و همه مردم نیز آن قدر ساده نیستند که هر حرف او را با چشمان بسته بپذیرند. نمی‌دانم او به حال بود یا تاثیر همان زهر هنوز هم در وجودش است که سازمان تا عمق فرورفته در پوست افغانستان شبیه آی‌اس‌آی را در مقابل خود بازنده و هراسان می‌خواند.

واقعیت این است که آن زمان استخبارات پاکستان برای انسجام طالبان شکست‌خورده در افغانستان به‌شدت کار می‌کرد و بیشتر از همه به همکاران سابقه‌اش مانند فاطمی و افراد شبیه وی که با زبان و خواصش آشنایی دارند، نیاز جدی داشت.

حرف دیگری که تذکر آن بهتر است، این‌که بلال فاطمی هنگام آموزش در مکتب، خود را خار چشم حکمتیار می‌نامد و به گفته او، مدیر مکتب به گفته بود که حزب اسلامی پلان قتل او را دارد.

به قصه حاکمیت دوره حامد کرزی برمی‌گردیم. این‌جا یک نکته دیگر نیز است که بلال فاطمی از آن طرفه می‌رود. در جریان حاکمیت کرزی، دکتر سیدامین فاطمی به‌عنوان وزیر صحت عامه انتخاب شد و تا زمان زیاد دوام کرد. فاطمی و کرزی هر دو در زمان جنگ علیه شوروی از اعضای مهم جبهه نجات ملی به رهبری صبغت‌الله مجددی بودند. سیدامین فاطمی افزون بر سرپرستی امور وزارت صحت عامه، در کمپین‌های انتخاباتی نیز به‌گونه گسترده برای کرزی تلاش می‌کرد و بدون شک بلال فاطمی، برادرزاده او، نیز از هیچ توانی دریغ نکرده است.

او برای این‌که خاموشی یا ماموریت‌های مرموز آن سال‌هایش را توجیه کند، می‌افزاید که از ۲۰۰۲ به بعد رسانه‌هایی که توسط غرب حمایت می‌شدند، بر او محدودیت وضع کردند.

بلال فاطمی در جریان مصاحبه یک نکته دیگر را که از مردم پنهان کرد، نامزدی او در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ بود. منابع نزدیک به وی به نویسنده گفته‌اند که فاطمی در آن انتخابات از ولایت ننگرهار نامزد بود، اما ناکام شد.

در این مصاحبه مفصل، یک مخاطب از بلال فاطمی پرسید که چرا با وجود این‌همه حمایت از طالبان، به کشور باز نمی‌گردد و برای یک «رژیم ایده‌آل» کار نمی‌کند. او در جواب گفت که آن‌جا استخبارات پاکستان افرادی را زیر نام داعش ترور می‌کند. از وی پرسیده شد که چه زمانی به افغانستان باز خواهد گشت. گفت که شرایط خود را تحلیل می‌کند تا هر زمانی که برایش مناسب معلوم می‌شد، برگردد.

نکته جالب دیگر این است که بلال فاطمی ایجاد کمیسیون تماس با شخصیت‌های افغان را بخشی از دستاورد خود می‌داند. به گفته او، این موضوع در یک نشست زوم که ممکن با مقام‌های طالبان داشته است و با او سایر حامیان امریکانشین طالبان شرکت کرده‌اند، مطرح شده و به باور فاطمی، این کمیسیون براساس خواست او در همان نشست زوم، ایجاد شده است.

او در عین حال ادعا کرد که در این‌همه مدت ارتباطش با افغانستان قطع نشده بود و سالانه به کشور سفر می‌کرد.

یک مخاطب تلویزیون بهار به‌شکل تبصره خطاب به فاطمی گفت که افغانستان بدون یک نظام سکولار از بحران‌های کنونی خارج شده نمی‌تواند و به رفاه نمی‌رسد. او در جوابش گفت که حامی سکولاریسم نیست، اما باور دارد که مالاها حکومت‌داری نمی‌توانند و او با حاکمیت آن‌ها مخالف است.

حال در پیام ویدیویی اخیر او دیده می‌شود که ملا هبت‌الله غایب را زعیم و رهبر خود می‌داند (به اصطلاح طالبان با وی بیعت کرده است).

در مورد زنده‌گی و سخنان متناقض فاطمی می‌توان بحث‌های طولانی کرد، اما بهتر است که مخاطبان به‌عنوان مشت نمونه خروار، با استناد به گفته‌های وی، سوابق مرموز، ماهیت، ارتباطات، ادعاها و موقعیت‌های عملی فردی رهبران طالبان را درک و در مورد آن‌ها قضاوت کنند.

یک هفته در خانه بیمار بود. با وجود این تمثیل، همین بلال عاطفی هر روز در پرده تلویزیون ظاهر می‌شود و از طالبانی دفاع می‌کند که رهبران‌شان به مرگ ده‌ها هزار تن در نتیجه حملات انتحاری و سایر حملات اعتراف و انفجار بی‌هما را معیار راه‌یابی به دانشگاه‌ها تعیین می‌کنند.

سیدبلال فاطمی از تحصیلش تا سطح ماستری در یک دانشگاه پشاور و همچنان از مراسم عروسی‌اش با حضور برهان‌الدین ربانی و صبغت‌الله مجددی یاد می‌کند. او می‌گوید که این دو رهبر جهادی نقش پدر و وکیل وی را داشتند و حضورشان در آن مراسم به‌عنوان شرط تعیین شده بود. با این حال، ربانی پدر وکیل زن و مجددی نیز دعاخوان مراسم نکاحش شدند. او یک بار حرفش را از پشاور به لندن می‌برد و می‌گوید که در دهه ۹۰ به لندن رفت و تا سال ۱۹۹۸ با نام مستعار فرید وکالت قضایای افغان‌های پناهنده را بر دوش داشت. به گفته او، در آن زمان قضایای مربوط به پنج هزار افغان را به پیش برده بود و چنان مشهور شده بود که هر افغان تازه‌وارد در لندن جویای او می‌شد و قضیه خود را توسط وی به پیش می‌برد. به گفته فاطمی، دلیل ترک کارش آن بود که نمی‌خواست کسی به او دشنام دهد، گریبانش را بگیرد و با عزتش بازی کند.

آن سال‌های عمر او نیز پرسش‌برانگیز است. این‌که فاطمی چرا باید زیر نام مستعار به‌عنوان وکیل کار کند؟ او جمل‌کار یا قاچاق‌بر انسان که نبود؟ تروریستان را که منتقل نمی‌کرد؟ زمینه رفتن حامیان طالبان ساکن در لندن و اروپا را که فراهم نمی‌کرد؟ چرا از دشنام، پاره شدن گریبان و بی‌عزت‌ی هراس داشت؟ چه کرده بود؟ مانند مدعیان کامیابی قضایای غیرقانونی پناهنده‌گی، راهزن که نبود؟

او بحث عزت خود را در حالی مطرح می‌کند که به مدافع و بلندگوی طالبان تبدیل شده است و به آن هم افتخار می‌کند؛ همان طالبانی که هر لحظه به بی‌عزت کردن یک ملت اسیر در افغانستان مصروف‌اند. با پاسخ دادن وی به پرسش‌های بالایی و ارایه برخی معلومات دیگر، مواردی واضح خواهد شد.

فاطمی می‌گوید که در سال‌های اخیر حاکمیت دور اول طالبان، درسش را در بخش بین‌الدول دانشگاه لندن آغاز و برای تصمیم طالبان در راستای نسرپردن اسامه بن لادن به امریکا، لابی‌گری کرد. او در مورد این برهه معلومات بیشتر نمی‌دهد، اما چنان‌چه گفته شد، در پیام ویدیویی تازه با شاهد خواندن فاروق اعظم، دیگر لابی طالبان، می‌گوید که در پارلمان انگلستان به حمایت از طالبان چنان صحبت‌های تند کرد که سرانجام زندانی شد.

او می‌افزاید که پس از سقوط طالبان، یک انجو را در لندن ثبت و برای آغاز کار عملی آن به پاکستان سفر کرد. در افغانستان نیز برخی دفاتر را ایجاد و به سکونت خانواده‌اش در پشاور اقدام کرد، اما براساس ادعای او، استخبارات پاکستان در ۲۰۰۴ یک هفته پیش از این‌که از آن کشور به لندن برود، به او زهر داد و با برگشت وی به لندن، یک پایش فلج شد.

بلال فاطمی استخبارات پاکستان را متهم می‌کند که به منظور مخالفت با امریکا، می‌خواست وی را به قتل

تصمیم خانه آنان، علیه چپی‌ها جنگ را آغاز کردند. ترکیب اشتراک‌کننده‌گان نشستی که او ادعا دارد در خانه آن‌ها برگزار شده، نیز جالب است. برمبنای معلومات وی، در نشست این افراد حضور داشتند: پدر فاطمی، نماینده جبهه نجات ملی، قطب‌الدین هلال، نماینده حزب اسلامی، قاضی مصطفی فاطمی (کاکای فاطمی)، نماینده جمعیت اسلامی، سیدامین فاطمی (کاکای دیگر فاطمی)، نماینده حزب اسلامی، کاکای پدر فاطمی، نماینده محاذ ملی و جنرال هدایت‌الله هدایت، مسوول تجهیزات و تدارکات که جنرال قول‌اردوی مرکزی و شوهر عمه فاطمی بود.

فاطمی می‌افزاید که در آن زمان حرفی از امریکا و پاکستان نبود، اما آنان جنگ علیه رژیم چپی‌ها را با همین امکانات خانواده‌گی آغاز کردند. او در مورد سیدامین فاطمی (کاکایش) که در زمان حاکمیت کرزی به‌عنوان وزیر صحت عامه و سپس سفیر افغانستان در جاپان کار می‌کرد، می‌گوید که وی برنامه‌های طبی را در رادیو و تلویزیون ملی به پیش می‌برد و پس از ترک تلویزیون، هنگامی به‌عنوان مسوول حملات چریکی حزب اسلامی در کابل تعیین شد که نیکتایی و دریشی به جانش بود و سلاح و به‌های دستی را از جایی به جای دیگر انتقال می‌داد.

بلال فاطمی در ادامه هنگام قصه در مورد رفتن به پاکستان، می‌گوید که یک فرد وی را در ۱۴ ساله‌گی نزد برهان‌الدین ربانی، رهبر تنظیم جمعیت برد و او عضویت تنظیم را به دست آورد. به گفته او، در آن هنگام پدرش مسوول بخشی از تنظیم نجات ملی به رهبری صبغت‌الله مجددی (پسر خاله‌اش) و شاگرد یکی از مکاتب تنظیم جمعیت بود.

این تحلیل‌گر مشهور حامی طالبان که با حضور نظامی شوروی و امریکا در افغانستان به‌شدت مخالف است و خود را به اصطلاح «مجاهد» می‌خواند، در این جنگ سهم نداشته است. او از عضو خانواده و یا آشنایانش نیز یادآوری نکرد که یا در آن جنگ سهم گرفته یا کشته شده باشد. او همان زمان که بزرگان خانواده‌اش اولاد سایر مردم را به سنگرهای جنگ می‌برد، از آموزش و امکانات زنده‌گی مرفه بهره‌مند بود.

فاطمی می‌گوید که با فارغ شدن از لیسه، شوق تحصیل طب در سر داشت. به گفته او، استاد ربانی به همکاری انجینیر مسیرالله دانش‌یار، مشاور خاص وی که فاطمی او را به داشتن رابطه محرمانه با ایران متهم می‌کند، او را با هیات دونفره به ایران فرستاد و در جریان آن سفر، وزیر ارشاد و فرهنگ ایران یک سیت بوریسه فوق‌العاده دانشگاه طب را برای وی اختصاص داد، اما پدرش مانع شد و او به همین دلیل آن دوره تحصیلی را آغاز نکرد. آیا این آقا نمی‌گوید که بر چه مبنا هنگامی که خانواده‌اش در سایر تنظیم‌ها تقسیم بود، در هیات دونفره ویژه برهان‌الدین ربانی فرصت رفتن به ایران را یافت؟ او را چه کسی و برای چه با ربانی معرفی کرد؟ چرا به او تا این حد نزدیک بود که در اوج جوانی در سفری مهم به یک کشور برود؟

بلال فاطمی از آغاز آموزش طبی در پشاور حکایت می‌کند و ادعا دارد که در روز اول تحصیل با دیدن جمعی از داکتران در اطراف جسدی که به منظور کار عملی از آن استفاده می‌شد، از طب دل‌زده شد و تا

سیدبلال فاطمی، مدافع رسانه‌های مشهور لندن‌نشین طالبان که به علت بحث‌های گسترده رسانه‌ای در راستای حمایت از این گروه، به‌عنوان سخنگوی لیبرال آنان خوانده می‌شود، در یک پیام ویدیویی از بابت ادعای خود در مورد مرگ ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر این گروه، معذرت خواست. با این حال در کنار آن، شک و تردیدهایی را نیز در مورد مرگ و زنده‌گی او مطرح کرد. فاطمی در این پیام ویدیویی تاکید کرد که مهره‌های پاکستان و اداره استخبارات آن کشور (ISI) برایش مشخص است؛ مهره‌هایی که در قندهار جابه‌جا شده‌اند و تصمیم مربوط به محدودیت‌های علیه زنان و اعلام آماده‌گی طالبان برای جهاد بین‌المللی را اعلام می‌کنند.

بلال فاطمی در این پیام ویدیویی بار دیگر از وجود فردی به نام ملا هبت‌الله انکار کرد، اما همزمان با آن از بابت ابراز نظرهای قبلی خود معذرت خواست. این تحلیل‌گر حامی طالبان خلاف ادبیات قبلی، برای ملا هبت‌الله از القاب «رهبر»، «زعیم» و «آزادکننده افغانستان» استفاده و وی را با حضرت عمر تشبیه کرد. فاطمی از موجودی غایب به نام هبت‌الله خواست که همانند آیت‌الله خمینی، رهبر انقلاب ایران و حضر عمر واضح بگوید که این تصمیم را براساس کدام احکام دینی و قرآنی گرفته است.

او بدون ارایه جزئیات بیشتر ادعا کرد که پس از سخنرانی به حمایت طالبان در پارلمان انگلستان، زندانی هم شده و پس از رهایی، وزارت‌ها، ولایت‌ها و سفارت‌ها نیز برایش پیشنهاد شده، اما او نپذیرفته است. فاطمی از دکتر فاروق اعظم، دیگر مدافع مشهور طالبان که اکنون این گروه او را به‌عنوان سرپرست وزارت آب و برق گماشته، به‌عنوان شاهد ادعایش یاد کرده است. این کارشناس سیاسی پیشتر ادعا داشت که با طالبان رابطه‌ای نداشت و به‌عنوان فردی مستقل هنگام نظام جمهوری‌ت از جنگ طالبان حمایت می‌کرد. در این نوشته برخی از ابعاد پنهان زنده‌گی سیدبلال فاطمی و موقف‌گیری‌های متناقض او افشا و ارزیابی می‌شود.

سیدبلال فاطمی چند ماه پیش در مصاحبه پنج‌ساعته با تلویزیونی زیر نام بهار که در امریکا نشرات دارد، در مورد خانواده، روابط سیاسی، زنده‌گی مرموز و ادعاهایش صحبت‌های جالب و ضدونقیض داشت. او با بیان پشت پنجم در شجره خود، ادعا کرد که سلسله نسب وی به سیدجمال‌الدین افغان و حضرت ابراهیم می‌رسد و خانواده روحانی وی در درازنای تاریخ افغانستان در ایجاد و براندازی نظام‌ها نقش اساسی داشته است.

او پدرکلان مادری خود را غازی بزرگ جنگ آخر افغان - انگلیس و سپس حکمران شمال می‌داند، اما می‌گوید که در ادامه شماری از بزرگان خانواده وی به دلیل پلان‌های کودتا علیه رژیم شاه‌ی اعدام شده و آنان نیز از آموزش محروم و نظربند شدند. فاطمی ادعا می‌کند که رژیم شاه‌ی پس از صدراعظمی هاشم خان برایش گفت که پادشاهان اصلی آنان هستند و از بابت کشتن برخی از افرادشان عذرخواهی می‌کنند. وی همچنان افزود که این نظام آنان را از خود دور نگه داشت و به جای آنان، دیگر آشنایان‌شان (خانواده‌های مجددی و گیلاتی) را به‌عنوان روحانیان درباری به آغوش پذیرفت.

قصه این‌جا پایان نمی‌یابد. فاطمی از پدر خود به‌عنوان صاحب‌منصب ارگ در زمان جمهوریت داوودخان یاد می‌کند و به گفته او، زمانی که بالای وی کودتا شد، پدرش به دلیل این‌که «کشور از کفار پاک شد»، به آشنایان نزدیکش شیرینی داد و در مسجد شاه دوشمشیره کابل نماز شکرانه ادا کرد. حرف جالب دیگر این است که فاطمی هنگام صحبت در مورد آغاز جنگ علیه حاکمیت چپی‌ها، به جای گروه‌های راست‌گرای ساکن پاکستان، از خانواده خود یاد می‌کند. به گفته او، مشوره آغاز این جنگ زمانی در خانه آنان شد که پدرش صاحب‌منصب ارگ بود و در خانه کارگران عسکری داشتند. براساس ادعای او، جلسه تنظیم‌های جهادی در خانه آنان برگزار و علیه چپی‌ها تصمیم آغاز جنگ گرفته شد.

قابل یادآوری است که این تنظیم‌ها مدت‌ها پس از حاکمیت چپی‌ها در پاکستان ایجاد شدند، اما فاطمی می‌گوید که این تنظیم‌ها موجود بودند و براساس

آیا افغانستان تحت رهبری طالبان بهترین نتیجه استراتژیک برای اسلام‌آباد بود؟

سمیرا محمدی

تحریک طالبان پاکستان در سال ۲۰۰۷ تشکیل شد و جنگی را علیه دولت پاکستان به راه انداخت. از آن زمان تاکنون این گروه در بسیاری از حملات مرگبار این کشور از جمله حمله سال ۲۰۱۴ بر یک مدرسه که منجر به کشته شدن ۱۵۰ تن از جمله ۱۳۲ کودک شد و اخیراً حمله بر مسجدی در پشاور که جان بیش از ۱۰۰ تن را گرفت، نقش اساسی دارد. در مقابل، ارتش پاکستان در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۷ حملات گسترده‌ای را علیه این گروه راه انداخت و تا حدی هم موفقیت‌آمیز بود؛ اما پاکستان از سال ۲۰۲۲ شاهد روند تصاعدی از خشونت از سمت این گروه به‌ویژه علیه دولت بوده است.



بازگشت طالبان به قدرت در سال ۲۰۲۱ از سوی تحلیل‌گران یک برد استراتژیک برای پاکستان به‌عنوان بازیگری که همواره حامی طالبان بوده، مطرح شد. چنانچه فیض حمید نخستین مقام بلندپایه استخباراتی بود که وارد کابل شد و سفارت‌خانه پاکستان در کابل خلاف سایر کشورها به فعالیت خود ادامه داد. همچنین رهبران ارشد پاکستان، از جمله عمران خان، نخست‌وزیر وقت، از تسلط طالبان بر افغانستان استقبال کردند و ظاهراً معتقد بودند که یک رژیم دوست در کابل منافع امنیتی پاکستان را ارتقا می‌دهد. خان گفت که بازگشت طالبان «زنجیر برده‌گی» را شکسته است. در واقع، بازگشت طالبان به قدرت برای پاکستانی که برای سال‌ها به‌عنوان حامی جدی طالبان شناخته می‌شد، در گام نخست یک برد محسوب شد و به زعم بسیاری از تحلیل‌گران و ناظران بین‌المللی برنده اصلی جنگ افغانستان، اسلام‌آباد بود. بعد از پیروزی طالبان نیز این کشور در تلاش بود تا از طریق مجاری دیپلماتیک در صحنه بین‌المللی جهان را به تعامل با این گروه تشویق کند و وا دارد که به جای ابزارهای تنبیه‌ای از سازوکارهای تشویقی استفاده شود. با این حال، خلاف انتظارات، روابط طالبان و پاکستان چنانچه اسلام‌آباد انتظار نتیجه دو دهه همراهی با این گروه را داشت، پیش نرفت. به‌طوری که اختلافات مرزی و تحریک طالبان پاکستانی و به نوعی نزدیک شدن طالبان به هند و تمایل هند به برقراری نوعی رابطه محافظه‌کارانه با طالبان افغانستان، نقاط اختلاف جدی این دو متحد دیرینه را در شرایطی که بحران انسانی و اقتصادی در افغانستان منجر به ورود پناهجویان افغان به پاکستان شده، پوشش می‌دهد. اما این اختلافات این پرسش را خلق می‌کند که آیا افغانستان تحت رهبری طالبان بهترین نتیجه استراتژیک برای اسلام‌آباد بود؟

در همین رابطه مجله مدرن دیپلماسی در تحلیلی تازه آورده که «حملات تروریستی اخیر در داخل پاکستان نشان می‌دهد که رهبران این کشور ممکن است پیامدهای بالقوه حمایت خود از این گروه را اشتباه محاسبه کرده باشند. دولت و نهادهای امنیتی در پاکستان ممکن است تاثیر منفی حمایت مستقیم یا غیرمستقیم خود از طالبان را به‌طور کامل پیش‌بینی نکرده باشند که منجر به افزایش خشونت و بی‌ثباتی در داخل خود پاکستان شده است. اما خروج ایالات متحده از افغانستان در ۳۱ اگست ۲۰۲۱، وضعیت هشداردهنده‌ای برای پاکستان بود؛ زیرا از نظر ژئوپلیتیکی و همچنین ایدئولوژیک نزدیک‌ترین همسایه افغانستان محسوب می‌شود که سطح جدیدی از ناپایداری و بی‌ثباتی را در منطقه به ارمغان آورد. بازگشت طالبان به قدرت، پتانسیل ایجاد چالش‌های امنیتی مهم برای پاکستان و همچنین پیامدهای اقتصادی و انسانی دارد.» این مجله در ادامه می‌آورد: «بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان، واقعیت جدیدی را ایجاد کرده است. پیوندهای ایدئولوژیک طالبان با گروه‌های افراطی همچون تحریک طالبان پاکستانی، این پتانسیل را دارد که به افزایش خشونت در داخل مرزهای پاکستان دامن بزند. علاوه بر این، بحران انسانی در افغانستان مسوولیت قابل توجهی را برای پاکستان ایجاد کرده است که در حال حاضر

اسلام‌آباد است. از زمانی که طالبان به قدرت رسیده‌اند، درگیری‌های مرزی بین پاسبانان پاکستان و طالبان در امتداد خط دیورند افزایش یافته است. چنانچه در ۱۱ دسامبر در اثر درگیری مرزی بین نیروهای مرزی طالبان و پاکستان، جان هشت شهروند پاکستانی گرفته شد. پیشتر از آن نیز در ۱ اپریل ۲۰۲۲ وزارت خارجه طالبان شکایتی را پیرامون نقض حریم هوایی و گلوله‌باران کردن از آن سوی خط دیورند و همچنین در ماه مارچ ۲۰۲۲ شکایتی را طرح کرد که نشان می‌داد ارتش پاکستان مستقیماً در ایجاد مشکل در مرزها نقش داشته است. جلوگیری از ادامه روند حصارکشی در امتداد خط دیورند از سوی سربازان طالبان در سال گذشته، به رغم تلاش‌ها برای حل این موضوع از طریق دیپلماتیک همچنان عاملی اختلاف‌برانگیز است. اما باید گفت که جدا از مساله خط، مساله ناآرامی‌های دو سوی خط در مناطق پشتون‌نشین اکنون به مضلی فراگیرتر از سال‌های گذشته تبدیل شده است؛ چراکه مناطق تحت اداره فدرال همواره منبع تروریسم و بی‌ثباتی بوده است.

مساله دیگر برای پاکستان، نزدیکی هند و طالبان است که بر روند شکننده‌گی عمق استراتژیک اسلام‌آباد در افغانستان تاثیرگذار خواهد بود. در واقع، طالبان در تلاش برای فرستادن نماینده‌گان خود به دهلی نو در حالی است که روابط این کشور با پاکستان تنش‌های جدی را پشت سر می‌گذارد. از طرف دیگر، در ماه جون ۲۰۲۲ یک هیات بلندپایه هندی با امیرخان متقی، سرپرست وزارت امور خارجه طالبان در کابل دیدار کرد که نخستین سفر رسمی مقام‌های هندی به کابل پس از بازگشت طالبان به قدرت بود. پس از آن هند کنسول‌گری خود را در افغانستان فعال کرد. هدف این فعال‌سازی را نظارت بر کمک‌های بشردوستانه خواند. در تازه‌ترین مورد نیز سفارت هند برای دیپلمات‌های طالبان کارگاه آموزش افکار هندی برگزار کرد. این در حالی است که تداوم روند ارتباط بین طالبان و هند با انتقاد رسانه‌های پاکستانی همراه است. یکی از مقام‌های پاکستانی ادعا کرده که روابط طالبان با هند نزدیک‌تر شده است؛ چرا که طالبان در عوض کنترل سفارت افغانستان در دهلی، با بازگشایی کنسول‌گری هند در قندهار موافقت کرده‌اند. به گفته مقام‌های پاکستانی، طالبان برای کاهش فشار مستمر از سوی اسلام‌آباد به هدف مهار تحریک طالبان پاکستان، روابط خود را با هند نزدیک‌تر کرده‌اند.

بنابراین، پاکستان در حالی این مسایل را باید با طالبان حل کند که انتظار می‌رفت پس از تسلط این گروه در افغانستان، شرایط برای تحقق منافع این کشور مهیا شده است. اما این که پاکستان از بازگشت دوباره طالبان به قدرت به بهترین نتیجه استراتژیک در افغانستان رسیده یا خواهد رسید و حضور طالبان در قدرت همان چیزی است که اسلام‌آباد به دنبال آن بود، باید گفت که اسلام‌آباد به نتیجه دلخواه خود نرسیده و بازگشت طالبان به قدرت خیال پاکستان را از داشتن همسایه هم‌سو با منافع خود آن‌چنان که باید، آسوده نکرده است. به نظر می‌رسد که پاکستان در محاسبات خود از افغانستان طالبانی دچار اشتباه و یا هم سهل‌انگاری شده است؛ چراکه برای طالبان، نگاه‌داشت ارتباط و پیوندها با گروه‌های اسلام‌گرا همچون تحریک طالبان پاکستان که دارای پیوندهای قومی و ایدئولوژیکی است، اولویت و ارجحیت دارد. همچنین، طالبان تمایل دارند که برای کاهش وابستگی خود به اسلام‌آباد، در راستای کاهش فشار از سوی پاکستان برای مهار تی‌تی‌پی - هرچند که به این کشور برای شناسایی بین‌المللی نیاز دارند - به سمت کشورهای دیگر همچون هند به‌عنوان رقیب اسلام‌آباد بروند. در نهایت، به نظر می‌رسد در حالی اهرم فشار اسلام‌آباد کاهش یافته، عوامل تحریک‌کننده جدید در روابط دو طرف در حال افزایش است که این امر چشم‌انداز آن‌چه اسلام‌آباد از حضور طالبان در قدرت تصور می‌کرد را برهم زده است.

عملیات تحریک طالبان پاکستان عمدتاً هدف قرار دادن نیروهای پاکستانی بوده است، مشابه برنامه طالبان افغانستان برای بیرون راندن نیروهای خارجی از کشور. در واقع بازگشت طالبان انگیزه قوی را برای سایر گروه‌های اسلام‌گرا در راستای ایجاد دولت اسلامی مدنظرشان ایجاد کرده است. در این میان، پاکستان انتظار آن را دارد که طالبان افغانستان این کشور را در برابر حملات فزاینده تی‌تی‌پی همراهی کنند. چنانچه در ماه گذشته حملات مرگبار تحریک طالبان پاکستان در پشاور، کراچی و ایالت خیبرپختونخوا، پای مقام‌های امنیتی ارشد پاکستانی را در سفری از پیش تعیین‌نشده به کابل کشاند که محور اصلی آن دیدار چگونه‌گی مواجهه با تحریک طالبان پاکستان بود. قبل‌تر از آن نیز در پی حمله بر مسجدی در پشاور که بیش از ۳۰۰ کشته و زخمی برجای گذاشت، شه‌باز شریف در نشستی با رهبری مقام‌های سیاسی و امنیتی پاکستان از رهبران طالبان افغانستان خواست که این کشور را برای مهار تحریک طالبان پاکستان همراهی کنند.

طالبان افغانستان اما به چند دلیل تمایلی به همکاری با اسلام‌آباد در این موضوع ندارند. پیوندهای قومی و ایدئولوژیک بین دو گروه و حمایت تحریک طالبان پاکستان در یک‌ونیم دهه گذشته از طالبان افغانستان، رشته‌های عمیقی از اتحاد را ایجاد کرده که این امر حل چالش تحریک طالبان پاکستان را برای اسلام‌آباد از طریق رژیم طالبان افغانستان دشوار ساخته است. در همین رابطه مایکل کولگمن از مرکز ویلسون، می‌گوید: «بعید است که طالبان به درخواست‌های پاکستان برای مهار تحریک طالبان پاکستانی جواب مثبت بدهند، بلکه بیشترین کاری که خواهند کرد، این است که به‌عنوان میانجی در گفت‌وگوهای پاکستان و تحریک طالبان پاکستان حضور داشته باشند. اما به یاد داشته باشیم که در سال ۲۰۰۱، طالبان حتا زمانی که تهدید به حمله نظامی امریکا شد، همکاری با القاعده را رها نکردند. در واقع، وقتی از روابط طالبان با سایر گروه‌های تروریستی صحبت به میان می‌آید [باید گفت] که نمی‌توان بر این گروه تاثیر جدی برای همکاری گذاشت.» او پیشنهاد می‌دهد که دولت پاکستان باید طالبان را تشویق کند تا با ارایه امتیازاتی مانند کمک مالی یا به رسمیت شناختن رسمی، از میانجی‌گری صرف گفت‌وگوها فراتر بروند. با این حال، علاوه بر مشکل تحریک طالبان پاکستانی، مشکلات مرزی هرچند نه به اندازه تحریک طالبان پاکستانی، از دیگر عوامل اختلاف بین طالبان و

با چالش‌های اقتصادی و اجتماعی خود دست‌وپنجه نرم می‌کند. بنابراین، سیاست پاکستان در برابر افغانستان ناقص بوده و حمایت این کشور از طالبان پتانسیل افزایش خشونت در داخل مرزهای پاکستان را دارد. در نتیجه پاکستان باید رویکرد محتاطانه و استراتژیک‌تری در برابر افغانستان و طالبان اتخاذ کند و هزینه بالقوه درازمدت اقدامات خود را در نظر بگیرد. در غیر این‌صورت، ممکن است خود را با موج دیگری از حملات تروریستی و بی‌ثباتی اقتصادی در سال‌های آینده [مواجه] ببیند.»

همچنین گروه بین‌المللی بحران در گزارشی تازه آورده است که «حملات خونین در اواخر ماه جنوری و اواسط فروری ۲۰۲۳ پاکستان را مطمئن کرده که سازمان‌دهی این حملات از خاک افغانستان انجام می‌شود.» این گزارش می‌گوید که رهبران طالبان پاکستانی پس از شکل‌گیری رژیم طالبان در افغانستان، راحت‌تر از گذشته عملیات‌های خود را در خاک پاکستان انجام می‌دهند؛ زیرا حضور سابق آن‌ها در خاک افغانستان حاشیه امنی برای این گروه ایجاد کرده است. این گزارش همچنین اشاره می‌کند که پس از سقوط جمهوریت در افغانستان، طالبان تعدادی از رهبران تی‌تی‌پی را که در زندان‌های دولت افغانستان زندانی بودند، آزاد کردند که نورولی محسود، رهبر فعلی طالبان، نیز در میان آن‌ها بود. نورولی محسود نیز در نخستین اقدامش با ملا هبت‌الله، رهبر طالبان، بیعت کرد و بعد تمام گروه‌های منشعب‌شده تی‌تی‌پی را دوباره با هم متحد ساخت. در نتیجه اکنون تحریک طالبان پاکستانی با قدرت زیاد بازگشته است.

تحریک طالبان پاکستان در سال ۲۰۰۷ تشکیل شد و جنگی را علیه دولت پاکستان به راه انداخت. از آن زمان تاکنون این گروه در بسیاری از حملات مرگبار این کشور از جمله حمله سال ۲۰۱۴ بر یک مدرسه که منجر به کشته شدن ۱۵۰ تن از جمله ۱۳۲ کودک شد و اخیراً حمله بر مسجدی در پشاور که جان بیش از ۱۰۰ تن را گرفت، نقش اساسی دارد. در مقابل، ارتش پاکستان در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۷ حملات گسترده‌ای را علیه این گروه راه انداخت و تا حدی هم موفقیت‌آمیز بود؛ اما پاکستان از سال ۲۰۲۲ شاهد روند تصاعدی از خشونت از سمت این گروه به‌ویژه علیه دولت بوده است. این بازگشت قدرت‌مندانه در حالی اسلام‌آباد را به دردسر انداخته که به گفته کارشناسان تسلط دوباره طالبان بر افغانستان محرک و انگیزه جدی را برای تحریک طالبان پاکستان در راستای ایجاد «دولت اسلامی» خلق کرده است.

دبیر بخش ویدیو:

نصیر کاوشگر

خبرنگار ارشد:

امین کاوه

ویراستاران:

محمدعلی نظری، مقیم مهران

صفحه آرایی:

رضا مرادی

پذیرش مقالات:

Info@8am.media

پذیرش اعلان:

Shaparsepahr@gmail.com ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۷۸۷۹۹

نشانی پستی:

۰۲۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان

۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه صبح است.

سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.



صاحب امتیاز: سانجر سهیل
مدیرمسئول: محمد محق
سرمدیر: حسیب بهش
مسئول افغانستان: شاحسین رسولی
تحلیل‌گران: یونس نگاه، ابومسلم خراسانی و علی سجاد مولایی
دبیر گزارش‌ها: فهیم امین

Publisher: Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief: Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

لویس ایناسیو لولا داسیلوا، رییس جمهور برزیل، در آخرین روز سفرش به چین گفته است که آمریکا باید «تشویق به جنگ» در اوکراین را متوقف کند. آقای داسیلوا روز شنبه، ۱۵ اپریل، پیش از ترک چین به مقصد امارات متحده عربی گفته است: «ایالات متحده آمریکا باید تشویق به جنگ را متوقف و صحبت از صلح را آغاز کند. اتحادیه اروپا هم باید صحبت از صلح را آغاز کند.» او افزوده است که تنها در این صورت جامعه جهانی می‌تواند ولادیمیر پوتین، رییس جمهور روسیه و همتای اوکراینی‌اش را متقاعد کند که برقراری صلح به نفع کل جهان است. این در حالی است که رییس جمهور برزیل روز جمعه در بیجینگ با شی جین پینگ، رییس جمهور چین، دیدار کرده بود.

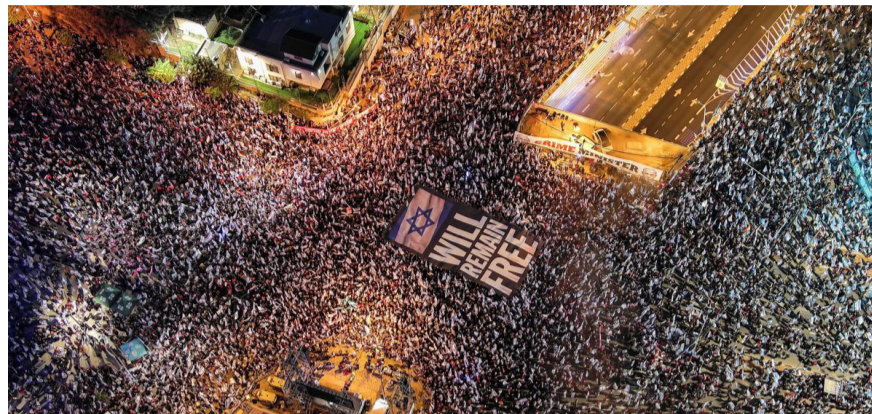
فنلند حصار مرزی روسیه را شکست

ساخت حصار سیم خاردار در امتداد مرز طولانی فنلند با روسیه که در درجه اول به منظور جلوگیری از مهاجرت غیرقانونی بود، در نزدیکی جنوب‌شرقی ایماترا، کمتر از دو هفته پس از پیوستن این کشور به ناتو، توسط گارد مرزی فنلند برداشته شده است. خبرگزاری فرانسه گزارش داده است که گارد مرزی فنلند روز جمعه، ۱۴ اپریل، ساختمان سه کیلومتری اولیه حصار را که قرار است در پلکولا، در نزدیکی گذرگاه ایماترا ساخته شود، به نمایش گذاشت. مرز ۱۳۴۰ کیلومتری فنلند با روسیه، طولانی‌ترین مرز بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا است. ساخت حصار مرزی ابتکاری توسط گارد مرزی است که در سال گذشته با حمایت گسترده سیاسی توسط دولت سنا مارین، نخست‌وزیر فنلند، به تصویب رسید. مقامات مرزی فنلند گفته‌اند که هدف اصلی حصار فولادی سه متری با سیم خاردار در بالای آن جلوگیری از مهاجرت غیرقانونی از روسیه و دادن زمان واکنش به مقامات است. این در حالی است که در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۶، مسکو تلاش کرد با راه دادن تعداد زیادی از پناهجویان به نقاط شمالی فنلند در منطقه لاپلند، این کشور را تحت تأثیر قرار دهد. مقامات روسی عمداً هزاران پناهجو را که عمدتاً از عراق، افغانستان و سایر کشورهای خاورمیانه به آن گذرگاه‌های مرزی فرستادند.



نشست جی ۷ در جاپان؛ نیشیمورا خواستار تامین کمک مالی به کاربن زدایی شد

یاسوتوشی نیشیمورا، وزیر اقتصاد و تجارت جاپان، خواستار تامین کمک مالی از سوی اعضای جی ۷ برای کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای در کشورهای نوظهور در دنیای صنعت شده است. رویترز گزارش داده که وزیر اقتصاد و تجارت جاپان این خواست را روز شنبه، ۱۵ اپریل، در افتتاحیه نشست محیط زیست و انرژی جی ۷ که در این کشور در حال برگزاری است، مطرح کرده است. نیشیمورا گفته است: «ما، جی ۷، نه تنها باید انتشار گازهای گلخانه‌ای خود را کاهش دهیم، بلکه باید اقدامات مشخصی را برای دستیابی به کاهش انتشار در سطح جهانی انجام دهیم.» این عضو کابینه جاپان افزوده است که وزیران جی ۷ می‌خواهند راه‌های تامین مالی کاهش کاربن در صنایع مانند مواد شیمیایی، کشتیرانی و فولاد را مورد بحث و بررسی قرار دهند. نشست وزیران جی ۷ برای گفت‌وگو روی مسایل آب‌وهوا و انرژی در شهر شمالی ساپورو جاپان در حال برگزاری است و فردا نیز ادامه خواهد داشت.



ادامه اعتراضات ضد دولتی در اسرائیل و هشدار از افت اقتصادی در این کشور

با آنکه ده‌ها هزار اسرائیلی دوباره به جاده‌ها بازگشته‌اند، دولت اسرائیل کاهش چشم‌انداز اقتصادی این کشور از سوی آژانس رتبه‌بندی اعتباری مودیز را تکذیب کرد. گزارش موسسه بین‌المللی اعتبارسنجی مودیز که روز جمعه، ۱۴ اپریل، منتشر شد، آخرین هشدار در مورد واکنش اقتصادی احتمالی به فشار قانونی بنیامین نتانیا هو است. این اقدام شامل اعطای نفوذ بیشتر به سیاستمداران در انتخاب قضات و محدود کردن قدرت دیوان عالی برای لغو قوانین اسرائیل است. مودیز رتبه اعتباری اسرائیل را در «A۱» تایید کرد؛ در حالی که چشم انداز آن را از مثبت به ثبات تغییر داد. نتانیا هو و وزیر مالیه وی در بیانیه مشترک افزوده‌اند: «اقتصاد اسرائیل با ثبات و مستحکم است و به یاری خدا به همین منوال خواهد ماند. نگرانی‌های مطرح‌شده توسط مودیز برای کسانی که با قدرت جامعه اسرائیل آشنایی ندارند طبیعی است.» هم‌زمان ده‌ها هزار اسرائیلی روز شنبه، ۱۵ اپریل، دوباره در تل‌آویو و دیگر شهرهای این کشور تجمع کردند و اعتراضات هفته‌گی را تشدید کردند، پرچم‌ها را به اهتزاز درآوردند، طبل‌ها را کوبیدند و بوق‌ها را به صدا درآوردند. آنها نگران‌اند که تغییرات پیشنهادی باعث تضعیف

دادگاه‌ها و به خطر افتادن آزادی‌های مدنی شود. گفتنی است که مودیز با جمع‌بندی ماه‌های آشفته‌گی از زمان بازگشت نتانیا هو به قدرت در اواخر سال گذشته در راس یک ائتلاف مذهبی-ملی‌گرا، اعلام کرد که نهادهای اسرائیلی با توجه به مدیریت دولت در رویدادها کمتر قابل پیش‌بینی است. نتانیا هو تحت فشار در داخل و خارج، موافقت کرده است که بازنگری را به تعویق بیندازد تا در تلاش برای مذاکره بر سر راه میانی باشد، اما مودیز با تأیید قانون‌گذاران مخالف در اسرائیل، گفت: «مشخص نیست که بتوان مصالحه‌ای پیدا کرد یا خیر.» بانک مرکزی اسرائیل و مقامات ارشد وزارت اقتصاد این کشور هشدار داده‌اند که بازنگری قضایی ممکن است بر احساسات سرمایه‌گذاران تأثیر بگذارد و به اقتصاد آسیب برساند. نتانیا هو که به اختلاس متهم است، می‌گوید که این تغییرات برای مهار قضات فعالی که در تصمیم‌گیری‌های سیاسی مداخله کرده‌اند، مورد نیاز است. اقتصاد اسرائیل در سال ۲۰۲۲ سریع‌تر از حد انتظار ۶.۴ درصد رشد کرد؛ اگرچه انتظار می‌رود رشد امسال به دلیل افزایش شدید نرخ بهره بانک مرکزی با هدف مبارزه با تورم بالا به زیر سه درصد برسد.

درگیری‌های نظامی در سودان ۲۵ کشته و ۱۸۳ زخمی برجای گذاشت



ریاست جمهوری عمرالبشیر، دیکتاتور این کشور، باز می‌گردد. از سال ۲۰۱۹ تنش‌های زیادی بین ارتش و شبه‌نظامیان موسوم به «جنجاوید» که از منطقه دارفور می‌آمدند، به وجود آمده است. منطقه دارفور سودان از اکتبر ۲۰۲۱، زمان سقوط عمرالبشیر، همچنان در آشوب و هرج‌ومرج به سر می‌برد. سودانی‌ها که پس از سه دهه دیکتاتوری عمرالبشیر او را سرنگون کردند، هنوز بعد از دو سال موفق نشده‌اند آرزوی تشکیل یک کشور دموکراتیک را عملی کنند.

اتحادیه داکتران سودان اعلام کرده است که در پی درگیری‌های اخیر میان ارتش و واکنش سریع (RSF) دست‌کم ۲۵ تن کشته و ۱۸۳ تن دیگر به شمول غیرنظامیان زخمی شده‌اند. رویترز به نقل از اتحادیه داکتران سودان گزارش داده است که تا کنون مشخص نیست چه تعداد از قربانیان، غیرنظامی‌اند. این درگیری‌ها، روز شنبه، ۱۵ اپریل، در پایتخت و برخی دیگر از شهرهای سودان رخ داده است. این درگیری‌ها پس از روزها تنش میان شبه‌نظامیان «نیروی واکنش سریع» و ارتش سودان به قوع پیوسته است. سخنگوی ارتش سودان شبه‌نظامیان نیروی پشتیبانی سریع را به حمله بر مواضع ارتش متهم کرده است. شبه‌نظامیان اما می‌گویند که ارتش سودان به اردوگاه‌های آن‌ها در جنوب این کشور حمله کرده و قصد نابودی گروه‌های چریکی را دارد. با این حال، کشورهای غربی و رهبران منطقه از هر دو طرف خواسته‌اند که برای تنش‌زدایی با یکدیگر همکاری کنند و به گفت‌وگوها به منظور بازگرداندن این کشور به حاکمیت غیرنظامیان، ادامه دهند. تنش میان ارتش و نیروهای شبه‌نظامی به اواخر دوران

پولیس پاکستان زنی را که ادعای پیامبری داشت بازداشت کرد

براساس گزارش‌ها، پولیس پاکستان زنی را که ادعا می‌کرد پیامبر مسلمانان است به اتهام توهین به مقدسات، بازداشت کرده است. رسانه‌های پاکستانی گزارش داده‌اند که این زن روز جمعه، ۱۴ اپریل، بازداشت شده است. نصیرعلی رضوی، یک مقام ارشد پولیس پاکستان، به رسانه‌ها گفته که این زن به دنبال نشر خبرهایی مبنی بر ادعای نبوت و پس از تجمع مردمی که خواستار اعدام او بودند، بازداشت شده است. رضوی هویت این زن را ثناله معرفتی کرده و گفته است که همراه با او دو مرد نیز بازداشت شده‌اند. در مورد محل بازداشت این زن و پیشینه فعالیت‌هایش چیزی گفته نشده است. قوانین نافذ در پاکستان، توهین به مقدسات را ممنوع کرده است. بربنیاد قوانین این کشور، توهین به مقدسات می‌تواند مجازاتی از جمله حبس ابد و اعدام را در پی داشته باشد.



یک مقام پیشین موساد اسرائیل ممکن است بدون حمایت آمریکا بالای ایران حمله کند

هم‌زمان با افزایش تنش‌ها میان تهران و اسرائیل، یک مقام پیشین اداره استخبارات این کشور گفته است که احتمال دارد، تل‌آویو بدون پشتیبانی ایالات متحده، بالای ایران حمله نظامی کند. رسانه‌های بین‌المللی، روز جمعه، ۱۴ اپریل، به نقل از یاکوف آمیدور، مشاور پیشین اداره استخبارات اسرائیل (موساد) گزارش داده که احتمال جنگ اسرائیل با ایران نسبت به هر زمانی دیگر بیشتر شده است. به باور این مقام پیشین اسرائیل، تغییرات در اوضاع خاورمیانه و اولیت‌بندی آمریکا در بیرون از منطقه، شرایط را برای بحران اوضاع مساعد کرده است. به گفته وی، توافق‌های صورت‌گرفته میان تهران و کشورهای عربی در زمینه تنش‌زدایی و برقراری مجدد روابط، اعتماد به نفس بیشتری به ایران بخشیده است. یاکوف آمیدور، از جمله فرماندهان نظامی جنگ‌طلب سابق اسرائیل است که در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ و در زمان نخست‌وزیری دور اول بنیامین نتانیا هو، ریاست شورای امنیت ملی این کشور را برعهده داشت. از سوی دیگر، مقام‌های ایرانی روز جمعه، ۱۴ اپریل، با اشاره به موشک‌پراکنی‌های اخیر اسرائیل به سوی لبنان و سوریه و به مناسبت روز قدس گفته‌اند که سقوط این کشور نزدیک است. حسین سلامی، فرمانده سپاه پاسداران ایران، با این ادعا که ایالات متحده از منطقه اخراج و دیگر جایی برای قدرت‌نمایی، نفوذ و سیطره سیاسی برایش باقی نمانده است، تاکید کرد که آمریکا در حال حاضر توان حمایت از اسرائیل را ندارد.